

بشریت ترقیخواه، جمهوری اسلامی را محکوم می کند

* اسپانیا

ادامه جنگ شرکت کنند. سخنران بعدی نماینده حزب کمونیست (اسپانیا) بود که وی نیز بر ضرورت پایان دادن به این جنگ کثیف که باعث تقویت حضور آمریکا در منطقه و باعث استمرار حاکمیت قرون وسطایی جمهوری اسلامی شده است، تاکید کرد. در قطعنامه پایانی تظاهرات که توسط یکی از رفقای عراقی قرائت شد، بر لزوم وحدت نیروهای انقلابی و اشتراک مساعیشان در مبارزه باخطر صلح تاکید شده است.

فداییان وتوده ای ها، در حین تظاهرات، تعداد زیادی اعلامیه افشاگرانه بین مردم توزیع نمودند. خبر تظاهرات در روزنامه های اسپانیا، بطور وسیعی انعکاس یافت. روزنامه "ال پائیس" که پرتیراژترین روزنامه اسپانیاست، در روزپیاپی خبر این تظاهرات را منتشر کرد. انتشار خبر تظاهرات فوق بموازات انعکاس خبر تظاهرات عظیم ده هزار نفری تهران در محله ۱۲ آبان، بنحو بارز و افشاگرانه ای در محافل اسپانیا بازتاب یافت.

بقیه در صفحه ۲

در روز ۲۲ فروردین، گروهی از ایرانیان و عراقی ها به همراه نمایندگان احزاب و سازمانهای انقلابی و صلح دوست در "پلازا اسپانیا" مادرید گرد آمدند تا فریاد اعتراض خود را علیه ادامه جنگ ضد مردمی ایران و عراق بلند کنند. در این تظاهرات که به دعوت فداییان خلق ایران (اکثریت) و سازمان حزب توده ایران در اسپانیا، و انجمن دانشجویان عراقی صورت گرفته بود، ابتدا "مارکوس آنا" نماینده اسپانیا در شورای جهانی صلح، حمایت همه جانبه مردم صلح دوست اسپانیا را بخاطر پایان دادن به جنگ ایران و عراق، اعلام نمود، آنگاه "آرماندو لویز سالیسیاس" نماینده حزب کمونیست اسپانیا طی سخنانی اعلام داشت که برنده اصلی این جنگ کثیف، فقط آمریکاست و خلقهای دو کشور هیچگاه از این جنگ جز رنج و اندوه نمیبینی خواهند برد، وی در خاتمه سخنان خود از همه نیروهای صلح دوست و آزادی خواه خواست تا در مبارزه عادلانه خلقهای دو کشور ایران و عراق علیه

روزهای دشوار حکومت خمینی

اخبار واصله حاکی است که در هفته گذشته نیز نه فقط در تهران که در بسیاری از شهرهای دیگر کشور نیز حرکات اعتراضی مردم علیه جنگ و علیه رژیم ادامه یافت. در رشت، زنجان، تبریز، کازرون، شیراز و... تظاهراتی علیه جنگ برپا شد. اکنون دیگر ابراز انزجار از جنگ و رژیم خمینی همه پهنه ایران را فرا می گیرد. با وجود اختلاف سهمگینی که حکومت "ولایت فقیه" بر مبین ماحکوم فراموده است، در هیچ جانشینان حتی تجمع کوچکی از مردم رایافت که در آن اظهار بیزارگی از جنگ با صدای بلند بیان نشود. مردم هر تجمع ساده و معمولی را به عرصه ای برای ابراز بیزارگی از حکومت جمهوری اسلامی بدل میکنند.

در تظاهرات هفته گذشته در شهرهای کشور، ارگان های سرکوب برای مهار این حرکات کار آسانی در پیش نداشتند. رژیم مطابق معمول با کار بست حرکات سبانه و با دستگیریهای وسیع کوشید اوضاع را مهار کند. در رشت در همان بدو تظاهرات ده تن دستگیر شدند. در تبریز و سلماس علاوه بر همه اقدامات سرکوبگرانه، برای پیشگیری از تکرار حرکات ضد جنگ با یورش به منازل کسانی که در

بقیه در صفحه ۱۲



دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۴ برابر ۶ مه ۱۹۸۵
بها ۴۰ ریال - سال دوم - شماره ۵۵

انتشار یک سند پرازش

در ماه جاری نشریه کار شماره ۱۵ و نامه مردم شماره ۴۸، بیانیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را تحت عنوان "پیروزی باد مبارزه خلق در راه سرتکونی رژیم جمهوری اسلامی ایران" منتشر ساختند.

بیانیه مشترک فوق سند برجسته ای در تبیین تحولات میهن در سالهای اخیر و تدقیق طریق تحول بنیادی در جامعه ماست. در این سند با دقت روند رویدادهای پس از انقلاب تشریح گردید و عملکرد رژیم "ولایت فقیه" در عرصه های گوناگون باز شفافه شد. در بررسی وضعیت کنونی میهن پیامد سیاه کار که دخیانت بار رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی ترسیم گردید. در ارزیابی مشخصات عمده کشور تاکید گردید که "سیاست رژیم تضادهای سیاسی و اجتماعی در ایران را تشدید می کند و کشور را هر چه بیشتر در یک بحران عمومی فرومی برد."

بیانیه چگونگی تحول در آرایش طبقاتی جامعه را در سالهای اخیر مورد دقت نظر قرار داده و تصریح نموده است که در هیات حاکمه "نمایندگان کلان سرمایه داران بازار و بزرگ مالکان نقش و وزن عمده را در تعیین سیاست داخلی و خارجی بعهده دارند." پس از آن بیانیه مشخصه ها و خصوصیات افکار و طبقات مختلف اجتماعی را توضیح داده و ضمن آن تاکید می کند "طبقه کارگر چه در جریان نهضت انقلابی و چه در سالهای اخیر عملاً به ثبوت رساند که استوارترین نیروی ترقیخواه، پیگیرترین مبارزه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح و سرسخت ترین دشمن امپریالیسم است."

در این سند پاسخ داده میشود که برای تحول بنیادی در جامعه ما چه باید کرد و وضعیت کنونی جنبش چیست؟ سازمان ما و حزب توده ایران طی این سند تصریح نموده اند که "در حال حاضر مهمترین، عاجل ترین و اساسی ترین وظیفه ای که در برابر زحمتکشان و همه میهن پرستان قرار دارد، مبارزه

بقیه در صفحه ۷

در جمهوری اسلامی

بیش از صد میلیون بشکه نفت گم شده است!

"گم شدن" بیش از صد میلیون بشکه نفت خام در جمهوری اسلامی، دیکتر از آن حکایتهاست! حکام جمهوری اسلامی، خیانتهای بیشماری را نسبت به مردم کشور روا داشته اند. آنها همه هستی این ملت را به پای اهداف ضد مردمی خود ریخته اند. آنها بر نفت و دیگر منابع ملی کشور چوب حراج زده و ثروتهای ملی را بر باد داده اند. آنچه برای حکام جمهوری اسلامی اهمیت ندارد، مردم کشور و هستی میهن است. تاکنون اسناد بسیاری در افشای خیانتهای بی شمار این مرتجعین رسوا منتشر شده است. اینک به طور مستند و با استفاده از ارقام رسمی پرده از فسادات دیگر حکام، یعنی "نفت خسواری" برمی گیریم:

در نشریه رسمی "گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال ۶۰ و ۶۱"، منتشره از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، ارقام مربوط به تولید، مصرف و صادرات نفت خام طی سالهای ۶۱ تا ۱۳۵۶ به شرحی که در صفحه ۵ می بینید درج شده است.

بقیه در صفحه ۵

چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم، فرخنده باد!

در این روزها بشریت صلح دوست چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم و پایان جنگ جهانی دوم را جشن می گیرد. ما تاکنون مقالات ویژه ای به همین مناسبت در نشریه درج کرده ایم و در صفحات ۶ و ۷ این شماره نیز به این ساله پرداخته ایم.

یادآوری روزهای پرامید بهار ۱۹۴۵ از جهات مختلف دارای اهمیت است. پیروزی بر فاشیسم مهمترین شاهد و گواه تاریخی بر این امر است که امپریالیسم حتی در مهیب ترین مہیات خود که مانا فاشیسم است قادر نیست اراده خود را بر تاریخ تحمیل سازد، سوسیالیسم را نابود کند و جهان را به زیر سیطره دستهای خونین خود در آورد. بارها و بارها می بایست به این نمونه تاریخی رجوع کرد، مصایب جنگ را برای نسل ک ۴۰ سال از نبرد عالمگیر آن فاصله گرفته است یادآور شد و در مورد خطر تلافیهای بیناکون برای به راه انداختن یک جنگ جهانی تازه هشدار داد.

امپریالیستها از یادآوری تجربه هیتلر هراسانند. آنها از این که مردم مصایب جنگ را به یاد آورند و امروز هیتلر را در قالب ریتکان مجسم ببینند، می هراسند. هراس آنها جهت دیگری نیز دارد. آخر و عاقبت فاشیسم چه شد؟ امپریالیسم و خشت دارد از این که به مهمترین تجربه و تلافی خود برای نابودی سوسیالیسم فراموشی بر عالم ببندد.



روزی که خلقی قهرمان

پشت امپریالیسم دلار را به خاک مالید

در صفحه ۹

رژیم درین بست فرهنگی

در صفحه ۹

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرتکونی رژیم جمهوری اسلامی!

بشریت ترقیخواه، جمهوری اسلامی و محکوم می کند

* انگلستان

● در اعتراض به جنگ ایران و عراق، تظاهرات ایستاده‌ای رویروی سفارت جمهوری اسلامی در لندن، در تاریخ ۲ آوریل ۱۹۸۵، برگزار شد. این تظاهرات که توسط "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" ترتیب یافته بود، توانست اخبار مربوط به جنگ را در اذهان عمومی مردم انعکاس دهد. در بیانیه دعوت به تظاهرات به جنگ جنون آمیز و کشتار بی رویه مردم اشاره شده و آمده است:

"ما از همه سازمانهای موقی و نیروهای صلح دوست، از همه افراد و شخصیت‌هایی خواهیم که در جهت قطع بلادرنگ جنگ بکوشند و نامه‌های اعتراضی برای سفارت ایران در لندن، به دفتر نمایندگی سازمان ملل در انگلستان و همچنین به اداره امور خارجی بریتانیا ارسال دارند."

همچنین در طی کنفرانس در روز ۲۷ مارس جلسه، ای توسط نمایندگان جوانان فدائی خلق ایران - بریتانیا و "اتحادیه دانشجویان عراقی" و با حضور نمایندگان قانی از سودان، آفریقای جنوبی و حدود ۹۰ نفر شرکت کننده دیگر ترتیب داده شد در بخشی از این جلسه سخنران ایرانی توضیحاتی در مورد اوضاع ایران، وضعیت جوانان و دانشجویان و اختلاف موجود در مراکز آموزشی ایران ابراز داشت.

کنفرانس اتحادیه سراسری دانشجویان اسکاتلند نیز در روزهای ۱۶ و ۱۷ مارس در شهر "دندی" برگزار گردید. در این کنفرانس که با شرکت بیش از ۱۰۰ نماینده از کالجها و دانشگاههای اسکاتلند برگزار شد، قطعنامه‌هایی نیز در ارتباط با



تظاهرات علیه تداوم جنگ ایران و عراق در انگلستان

مسائل دیگر کشورها مطرح و تصویب گردید از جمله در رابطه با ایران دو قطعنامه، یکی در مورد محکومیت رژیمهای ایران و عراق در تشدید جنگ و دیگری در مورد جلوگیری از فعالیت‌های انجمنهای اسلامی وابسته به سفارت جمهوری اسلامی، در اسکاتلند که به ویژه به فعالیت‌های جاسوسی اشتغال دارند به تصویب رسید.

● روزنامه مورنینگ استار (ستاره صحر) - دوشنبه ۱۵ آوریل مقاله‌مسرولی تحت عنوان "علیه کشتار در جنگ خلیج اعتراض کنیم" را منتشر نمود. پیتز دافی "رئیس کمیته دفاع از حقوق مردم ایران"، از جنبش صلح و کارگری بریتانیا درخواست کرد تا بر تلاشهای خود در جهت نپل به قطع فروش اسلحه به رژیمهای در حال جنگ ایران و عراق بیفزایند.

نشریه مورنینگ استار، ضمن اشاره به عهده‌شکنی دو رژیم نسبت به موافقت نامه ژنو، گزارش داد که هر دو کشور به مناطق مسکونی و اهداف غیر نظامی یکدیگر حمله کرده و شهرهای یکدیگر را بمباران می‌کنند. مورنینگ استار به تهاجم ۱۲ مارس ایران

● کنفرانس سالانه "اتحادیه سراسری دانشجویان" بریتانیا در اواخر مارس برگزار گردید. در این کنفرانس که قریب ۱۰۰۰ نفر نمایندگان دانشجویان مراکز مختلف آموزشی این کشور شرکت داشتند نمایندگان قانی نیز از جوانان فدائی خلق ایران (اکثريت) بریتانیا حضور یافتند. آنان در طول کنفرانس در اوقات مناسب به تشریح وضعیت جوانان و دانشجویان ایران و افشای سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی در قبال جوانان پرداختند.

از سوی بسیاری از نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس و همچنین هیئت اجرایی "اتحادیه سراسری دانشجویان"، یک اعتراضنامه دانشجویی به امضا رسید که در آن خواسته های زیر در مورد دانشجویان و جوانان ایران عنوان شده بود:

- پایان دادن به تفتیش عقاید بعنوان بخشی از امتحانات ورودی دانشگاه های ایران
- پایان دادن به محدودیتهای ایجاد شده برای تحصیل دختران
- پایان دادن فوری به بسیج کودکان و نوجوانان برای اعزام به جبهه ها و قطع جنگ.

که تلاش مایوسانه ای برای کسب یک برتری نظامی تعیین کننده در جنگ بود، اشاره کرده و گزارشی از تلفات قوای ایرانی در باتلاقهای هویزه ارائه میدهد. این نشریه می نویسد:

"ادامه جنگ، البته برای امپریالیسم خوشحال کننده است. امپریالیسم منافع قطعی استراتژیک و اقتصادی در راستای ادامه بی ثباتی در منطقه دارد. جنگ، موجبات بازگشت شتابان ایران را به اردوی امپریالیسم فراهم آورده است، نگرانی غرب در اینست که صلح در منطقه میتواند منجر به روی کار آمدن دولت های مردمی و غیر متعهد در ایران و عراق گردد. جنگ و بن بست نظامی کنونی، فروش وسایل نظامی به هر دو طرف را موجب می شود که در نتیجه آن منافع هفتگتی نصیب تجار بین المللی اسلحه می گردد.

میلیونها بریتانیایی در هفته های اخیر شاهد صحنه های وحشتناک خونریزی در میادین جنگی هویزه و در شهرهای بمباران شده، از طریق تلویزیون بوده اند. جنبش صلح و کارگری بریتانیا می باید بر اعتراضات خود علیه جنگ از طریق خواستار شدن منع فروش سلاح به رژیمهای ایران و عراق، بیافزایند.

فشار بین المللی باید رژیم های ایران و عراق را مجبور به قطع حملات به اهداف غیر نظامی و قبول یک آتش بس همه جانبه بنماید."

مقاله نشریه مورنینگ استار، با این جملات به پایان می رسد: "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران از جنبش کارگری بریتانیا تقاضا نموده است که حداکثر حمایت خود را از این اقدامات ابراز داشته و صدای رسای خود را در جهت دستیابی به صلح و عدالت اجتماعی برای مردم ایران و عراق به گوش جهانیان برسانند!"

* فیلیپین

● در روز ۲۸ مارس گروهی از ایرانیان اقدام به برپایی تظاهراتی در مقابل یکی از ایستگاه های تلویزیونی در کیژون سیتی نمودند. تظاهرات که به خاطر صلح و قطع جنگ برگزار شده بود، در انعکاس و بازتاب اخبار مربوط به جنگ بین مردم موفق بود. شرکت کنندگان در این تظاهرات با انتشار آمار مربوط به تلفات و خسارات، امپریالیسم آمریکارادر دامن زدن به این جنگ محکوم کردند. این تظاهرات با قرائت بیانیه ای خاتمه یافت. در این بیانیه آمده است که: "ما شرکت کنندگان این تظاهرات، به نمایندگی از اکثريت ایرانیان مقیم فیلیپین، جنگ خانمانسوز و بی حاصل ایران و عراق و هم چنین شرایط ترور و اختناق کشور را محکوم می کنیم:

۱- ما سیاست ادامه جنگ و بمباران مناطق مسکونی هر دو کشور را قویا محکوم کرده و از سازمان ملل و کشورهای غیر متعهد می خواهیم تا همه تلاش خود را برای پایان دادن به این کشتار وحشتناک، به کار گیرند.

۲- ما اعمال وحشیانه حکام جمهوری اسلامی ایران را در زندان ها و استفاده از شکنجه های قرون وسطایی و داروهای شیمیایی بر زندانیان سیاسی را محکوم می کنیم. ما از سازمان های بین المللی حقوق بشر می خواهیم تا علیه این اقدامات غیر انسانی هم خود را بکار گیرند. ما خواهان آزادی تمام زندانیان سیاسی

در ایران بوده و از همه مردم فیلی پین و سازمان های دموکراتیک درخواست می کنیم تا رژیم جمهوری اسلامی را برای قطع بلادرنگ شکنجه و آزاد ساختن زندانیان سیاسی، تحت فشار بگذارند.

* اتریش

● هم زمان با برپائی اعتراضات گسترده ضد جنگ در دیگر کشورها، در وین نیز به همت فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران در اتریش، در روز ۴ آوریل تظاهرات باشکوهی برگزار شد. رفقای فدائی و توده ای در اتریش نیز مجدداً کوشیدند تا اخبار و مسائل مربوط به جنگ را در آن کشور بازتاب و انعکاس دهند. تظاهرات وین از مناطق پررفت و آمد شهر آغاز شد و آن گاه تا سفارت عراق ادامه یافت و سرانجام در برابر سفارت جمهوری اسلامی در وین خاتمه پذیرفت. رفقای فدائی و توده ای، در طول تظاهرات، هزاران برگ اعلامیه به زبان های فارسی و آلمانی را بین مردم توزیع کرده و با استفاده از بلندگو، سیاست خائنانه سوز ادامه جنگ را افشا کردند. در این رابطه سازمان های مختلفی اطلاعیه فراخوان ضد جنگ را امضا نمودند که از آن بین می توان از سازمان های ذیل نام برد:

- ۱- کلوپ ضد امپریالیستی
- ۲- انجمن دانشجویان عراقی- اتریش
- ۳- اتحادیه دانشجویان و جوانان کرد- اتریش
- ۴- اتحادیه جوانان سوسیالیست کردستان- اتریش
- ۵- کارگران مترقی ترکیه- اتریش
- ۶- دانشجویان کمونیست - هواداران حزب سوسیالیست کار ترکیه



مطبوعات اتریش نیز اقدام به درج اخبار مربوط به تظاهرات نمودند. روزنامه فولکس اشتیمه ارگان حزب کمونیست اتریش در تاریخ ۸۵/۴/۶، خبر تظاهرات را با چاپ تصاویری از آن، منتشر نمود. خبرنگار روزنامه فولکس اشتیمه، با یکی از رفقای سازمان مصاحبه ای را ترتیب داد که مطالب آن به طور مبسوط در همان شماره نشریه، منعکس شد.

* هندوستان

● از سوی کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران در بارودا - هندوستان نامه ای برای دبیر کل سازمان ملل متحد ارسال گشت. در این نامه بطور مشروح وضعیت زندانیان سیاسی ایران و جنایات رژیم

خمینی ذکر شده است و از تداوم جنون آسای جنگ ایران و عراق ابراز تنفر شده است. در پایان این نامه از دبیر کل سازمان ملل خواسته شده است که: علیه شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در ایران مداخله کنید!

علیه سرکوبتربیا و پیترد احزاب و سازمانهای میهن پرست ایرانی اقدام کنید
بر کوششهای خود برای پایان دادن به جنگ بی معنا بین ایران و عراق بیافزائید

همچنین از سوی همین کمیته نامه ای نیز برای آقای راجیو گاندی، رئیس جنبش غیر متعهدا فرستاده شده است و در آن نیز خواستار دفاع از زندانیان سیاسی ایران و تشدید تلاشها برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق شده است.

● هفته نامه هندی YUGVANI، با انتشار بیانیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خصوص شهادت رفیق مرتضی میثمی و همچنین با چاپ عکس رفیق در نشریه خود، اعدام و کشتار انقلابیون را در ایران، قویا محکوم کرده است.

- نشریه انگلیسی زبان کمونیستهای هندوستان نیز با چاپ عکس رفیق میثمی، می نویسد:

"سرکوبگری و کشتار در جمهوری اسلامی ادامه دارد. ارتجاع، و رژیم آخوندی متحجر به رهبری خمینی به سرکوبی و کشتار بی معنای میهن پرستان و نیروهای مترقی ایران ادامه میدهد، وسی دارد بطور کامل دستاوردهایی که مردم انقلابی ایران با بیرون انداختن شاه و امپریالیسم آمریکا در پنج سال پیش بدست آورده اند، را از بین ببرد."

مقاله نشریه فوق در ادامه، به اعدام رفقا مرتضی میثمی و منصور پورجم اعتراض کرده و عنوان نموده است که: "طبقه کارگر علیه این اعمال وحشیانه رژیم خمینی شدیداً اعتراض می کند و قویا بر علیه این کشتارها عکس العمل نشان خواهد داد."

- ماهنامه ندای جوانان، ارگان فداسیون جوانان دمکرات هند - تامیل نادو - که به زبان تامیل در ایالت تامیل نادو چاپ میشود در شماره ماه مارس خود، از طرف کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران، چنین می نویسد:

"ما فداسیون جوانان دمکرات تامیل نادو اعمال وحشیانه شکنجه و تعقیب و پیگرد میهن پرستان و زندانیان سیاسی را محکوم نموده و خواستار آزادی سریع زندانیان سیاسی هستیم!!"

لازم به تذکر است که در کمیته دفاع از زندانیان سیاسی، نمایندگان فداسیون جوانان دمکرات هند، تامیل نادو و اتحادیه کارگری وابسته به حزب کمونیست (مارکسیست) شرکت دارند.

- روزنامه نیر تیکادیر (اختر) ارگان حزب کمونیست هند (مارکسیست) تامیل نادو در شماره مورخه ۱۱ مارس خود، مقاله مبسوطی در باره شکنجه های وحشیانه رژیم خمینی درج نموده است

لازم به تذکر است که همین نشریه در شماره ۱۱ فوریه خود گزارش داده بود که:

"تاکون هزاران نامه اعتراضی از طرف کارکنان اتحادیه های پست و تلفن، بانک، انجمن های مختلف نویسندگان و هنرمندان، روزنامه نگاران، شاعران، اتحادیه های کارگری، سازمان های

زنان برای راجیو گاندی، دبیر کل سازمان ملل متحد، به رییس کشورهای غیر متعهد در دهلی، و همچنین به سفارت جمهوری اسلامی، ارسال شده است."

● فداسیون دانشجویان هند - درادون، در کنفرانس منطقه ای خود که در تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۸۵ برگزار شد، نسبت به جنگ بی فرجام ایران و عراق و اوضاع ترور و خفقان حاکم بر کشور موضع گیری نمود. "آشنات آکاش" دبیر منطقه ای فداسیون در قطعنامه ای که بدین منظور صادر گردید، بنمایندگی از فداسیون دانشجویان هند، اعلام کرد:

۱- محکومیتها، بازداشتها و اعدام غیرقانونی نیروهای ترقی خواه ایران باید فوراً قطع گردد.

۲- به شکنجه های روحی و جسمی زندانیان سیاسی باید بی درنگ خاتمه داده شود.

۳- تمام زندانیان سیاسی باید آزاد گردند. ۴- به روزنامه نگاران، وکلا، پزشکان و هیئت های نمایندگی سازمان های ترقی خواه جهان، اجازه ملاقات با زندانیان سیاسی داده شود. ...

لازم به تذکر است که رونوشت قطعنامه فوق برای سفیر ایران در دهلی و همچنین، رئیس جنبش عدم تعهد در دهلی و ارسال گردید.

* آلمان فدرال

نشریه محلی حزب کمونیست آلمان - فلنر بورگ در ژانویه ۱۹۸۵، مقاله ای را تحت عنوان "در ایران چه خبر است" درج نموده است.

مقاله با خبر اعتصاب ۲۰ هزار نفری کارگران ذوب آهن اصفهان آغاز می کند و این اعتصاب را نقطه اوج جدیدی در اعتصابات کارگری اخیر کشور اعلام می کند. مقاله با شرح اوضاع زندگی مردم در همه عرصه ها، طرح می کند که اگر فشار بر توده ها افزایش یافته است، در مقابل مقاومت توده ها نیز فزونی گرفته است، توده ها از هر تجمعی برای اظهار ناراضایتی خود استفاده می کنند. مقاله برای مثال به مسابقات فوتبال و حوادث امجدیه اشاره می کند.

نشریه اظهار می دارد که رژیم تهران در موقعیتی قرار ندارد که بتواند از این بست کنونی رهائی یابد. حکومت ایران مدتهاست بجای اینکه علیه کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی مبارزه کند، قدم در راه "شاه" گذاشته است، اما شاه نیز نتوانست تاج خود را نجات دهد!

نشریه ضمن اعلام خبر تجدید سازمان حزب توده پس از ضربات سال ۱۹۸۲، درباره سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت می نویسد:

"سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ... توانسته سازمان سراسری خود را حفظ کند و پس از برگزاری پلنوم کمیته مرکزی در مهرماه سال پیش، قویتر از گذشته در کشور فعالیت می کند."

* ایالات متحده

● توسط هواداران سازمان در شهر دالاس (تکزاس) نمایشگاه عکسی از شرایط زن در ایران ترتیب یافت. این نمایشگاه با همکاری سازمان دانشجویی وابسته به لیگ جوانان کمونیست آمریکا برگزار گردید. از این نمایشگاه عکس که به مناسبت برگزاری سمپوزیوم جهانی زن ترتیب یافت جمع کثیری بازدید نمودند.

از رویدادهای ایران

در تکاپوی تامین هزینه های جنگی

شورای عالی اقتصاد در جلسه روز ۱۹ اردیبهشت خود مقرر کرد که از بودجه ناچیز برنامه های عمرانی باز هم کاسته شود و دستگاههای دولتی صرف هزینه را منوط به کسب درآمد سازند.

شورای عالی دفاع نیز همه دستگاههای دولتی را موظف کرده است که تا ۲۰ درصد از هزینه های عمرانی خود را در رابطه با جنگ بگذارند.

روز جهانی کارگرو هر اس جمهوری اسلامی

امسال نیز ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر به عنوان روز تعطیل اعلام نشد. مهمترین تفاوت نحوه برگزاری مراسم دولتی این روز - که کوشش می شد آنرا تحت الشعاع سالگرد ترور مرتضی مطهری قرار دهند - آن بود که از برگزاری راهپیمایی و یا تجمع در مکانهای عمومی بدون کنترل نظیر میدانها، جلوگیری کردند. به عنوان نمونه در تهران مسئولین امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی از ترس این که حتی همین مراسم فرمایشی نیز به عرصه ای برای ابراز انزجار کارگران از رژیم بدل گردد، ترتیبی دادند که کارگران برخی از کارخانه ها از محلهای کارشان باسرویس بهاستادیوم آزادی فرستاده شده و به صورت کنترل شده استادیوم را ترک کنند.

جریان اعتصاب کارگران ذوب آهن از زبان وزیر معادن و فلزات

در جلسه ۲ اردیبهشت مجلس، کمال الدین نیکروش نماینده تهران از مهندس نبیلی وزیر معادن و فلزات خواست به این سؤال پاسخ دهد که چرا دولت "در تعاونی کردن" ذوب آهن ناتوان ماند و از کارگران شکست خورد. وی در توضیح این سؤال گفت: "سؤال به این ترتیب است که در ذوب آهن می بینیم جریانانی اتفاق می افتد و قبل از آن مصوبه شورای عالی معادن را داریم که اعلام می کند چهار شرکت تشکیل شود و این کارگران عزیز که در آنجا به عنوان پیمانی کار می کردند و قبلاً کارهای ساختمانی شرکت ملی ذوب آهن را انجام می دادند، بعد از انجام کارشان قاعدتاً بایستی تشریف می بردند. لذا برای این که نه سیخ بسوزد و نه کباب آمدند گفتند چهار شرکت تشکیل بدهیم و اینها را در این چهار شرکت متمرکز بکنیم که ضمن اینکه کار ذوب آهن را انجام می دهند کارهای دیگر استان را هم بتوانند انجام بدهند.

این مصوبه به امضای چهار نفر از وزرای محترم رسیده بود و قاعدتاً بایستی اجرا می شد ولی متأسفانه به نظر بنده دستهایی که در جریان مسائل داخلی مملکت است سعی کردند از این جریان یک آشوبی بپا کنند و باعث اعتصابات کارگری در آنجا شدند." پاسخ وزیر معادن و فلزات به این پرسش نشان دهنده این است که چگونه اعتصاب قهرمانانه کارگران ذوب آهن رژیم را به وحشت انداخته و به

عقب نشینی وا داشته است. وزیر معادن جریان اعتصاب را در پاسخ به سؤال نماینده مجلس چنین توضیح می دهد:

مساله کارگران ذوب آهن چیزی است که ۷-۸ سال سابقه دارد و یک مشکلی در این مورد بود در حدود ۱۰ الی ۱۵ هزار کارگر هستند که میبایستی پس از اتمام طرح فکری بحال، اینها میشد. راه حلی که شورای عالی شرکت در آبانماه سال ۶۲ به آن رسید و در تیرماه سال ۶۲ تصویب کرد بهترین و منطقی ترین راه حل بود.

قرار شد چهار شرکت تأسیس بشود که این چهار شرکت تخصصی آن افراد در آن زمینه ها بروند و کار کنند و زیر پوشش شرکت ملی فولاد ایران هم باشند. مقدمات کار که فراهم شد یک سری اعتراضهایی که در واقع ناشی از ترس این افراد بود در رابطه با این که ممکن است این کار مقدمه ای باشد برای این که اینها را از ذوب آهن اخراج کنند. این ترس ناشی از این مساله و تحریکاتی که زمینه های متعدد در آنجا داشت و گروهکهای مختلف در این زمینه مهاجرت شده بودند. در رابطه با این تحریکات سبب شد که یک اعتراض رسمی نسبت به تشکیل این شرکتها بشود و مدیر عامل شرکت توضیحاتی در این زمینه داد. و مساله حل شد تا ۱۵ روز بعد دومرتبه با توجه به این که چند نفر گرفتار شده بودند و باز دوباره مساله در آذر ماه سال گذشته شروع شد. حالا این مساله میشود که شرایط جدید پیش آمده را که در واقع منجر به اعتصاب کارگری ۲ تا ۵ هزار نفری است چگونه با آن برخورد بشود.

این مساله زمینه این بود که ما جلساتی داشته باشیم در حضور آقای نخست وزیر با حضور مسئولین وزرای کشور و اطلاعات و کار و امور اجتماعی که نسبت به این مساله چه تصمیماتی باید اتخاذ کرد.

حاصل مساله این شد که ۵ نفر بروند و این مساله را در محل مورد بررسی و رسیدگی قرار بدهند و اتخاذ تصمیم بکنند نسبت به این که چگونه با این قضیه برخورد بشود. این ۵ نفر را معاونین وزیران کشور - اطلاعات - کار - معادن و فلزات و استاندار اصفهان تشکیل می دادند. اینها به محل رفتند نتیجه ای که گرفته شد این بود و بعد از حضوری که در کارگاهها داشتند این بود که باید خواست اینها را که دو خواست عمده ای بود که زمینه ۱۵ روز اعتصاب بود یکی اینکه همه آنها زیر پوشش استخدامی ذوب آهن اصفهان در بیایند و دیگر اینکه زیر پوشش خدمات درمانی قرار بگیرند به این خواست که توجه بشود.

البته این مساله مورد موافقت بنده نبود یعنی من این روش را درست نمیدانستم و همچنین مدیر عامل شرکت که نماینده ما بود ولی از آن ۵ نفر نماینده اعزامی به محل ۴ نفر این روش را به عنوان تنها راه حل عرضه کردند. ("کیهان-۴ اردیبهشت")

تصویب پیش نویس جدید قانون کار در هیات دولت

بدنبال طرد قانون کار تهیه شده توسط احمد توکلی، از جانب کارگران کشور، در اواخر سال ۶۲ وزارت کار پیش نویس تازه ای، تهیه کرد که هفته گذشته به تصویب هیات دولت رسید و به مجلس فرستاده شد. سرحدی زاده وزیر کار و امور اجتماعی،

در مصاحبه ای که در روز سه شنبه (۱۰ اردیبهشت به عمل آورد، این قانون را ستود و گفت پیش نویس جدید می خواهد به کارگران هویت اسلامی دهد. در مباحثاتی که طی سال گذشته در واحدهای تولیدی و محافل کارگری حول قانون کار جدید صورت گرفته بود کارگران با قاطعیت این طرح را نیز رد کرده و مضامین ارتجاعی و ضد کارگری آن را محکوم کردند.

رفسنجانی: کردها از عراقی ها بدترند

رفسنجانی در جمع پاسداران اعزامی به کردستان از آنان خواست تا در سرکوب خلق کرد شدت باز هم بیشتری نشان دهند. وی خطاب به پاسداران گفت: "آنهايي که در کردستان با شما طرف هستند، بدتر از عراقی ها هستند. شما با بدترین دشمن اسلام مواجه هستید و این اجر شما را بیشتر می کند. با آنها با نهایت شدت برخورد کنید و خودتان هم مطمئن باشید که در حساسترین جبهه ها می جنگید که اهمیت استراتژیکی بسیار مهمی برای این کشور دارد."

تاریخ انتخابات رئیس جمهوری

روز ۵ شنبه هفته گذشته ناظم نوری وزیر کشور که به استان سمنان سفر کرده بود اعلام کرد که انتخابات رئیس جمهوری در اواخر تیرماه امسال برگزار خواهد شد.

به دلیل نزدیکی بودن زمان انتخابات، مجلس در هفته گذشته کلیات دولایحه در این مورد را که یکی ناظر به نحوه انتخابات و دیگری چگونگی نظارت شورای نگهبان بر این امر است، به تصویب رساند.

فرارخواهر رئیس جمهور خامنه ای به عراق

بدری حسینی خامنه ای خواهر رئیس جمهوری حجت الاسلام سید علی خامنه ای همراه با پنج فرزند خود به کشور عراق پناهنده شد. وی در روز ۵ شنبه ۱۲ اردیبهشت در بغداد در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت جست و در آن به شدت از جمهوری اسلامی و شخصیهایی همچون برادرش، روح الله خمینی و سید احمد خمینی، انتقاد کرد و جماعتی را سفاک نامید.

بدری حسینی خامنه ای همسر شیخ علی تهرانی است، شیخ علی تهرانی بعد از مدتها تحت نظر بودن در ایران، سال گذشته به کشور عراق پناهنده شد.

حاتم بخشی جمهوری اسلامی به فرانسه

جمهوری اسلامی به منظور بهبود روابط خود با فرانسه تصمیم گرفته است برای باز پس گرفتن طلب یک میلیارد دلاری از فرانسه اقدامی جدی صورت نهد. این مبلغ در زمان رژیم پیشین به کمیساریای انرژی اتمی فرانسه وام داده شده بود. این موضوع در نامه ۲۰ تن از نمایندگان مجلس به نخست وزیر افشا گردیده است.

در این نامه آمده است: "مبلغ یک میلیارد دلار طبق قرارداد وام مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۷۵ برابر با ۵۴/۱۲/۲ از طرف رژیم شاه مخلوع به کمیساریای

در جمهوری اسلامی، بیش از صد میلیون بشکه نفت گم شده است!

بقیه از صفحه اول

واحد: هزار بشکه در روز

سال	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱
تولید	۵۵۸۶	۴۲۵۲	۳۴۲۳	۱۴۷۶	۱۴۴۱	۲۴۷۹
صادرات	۴۸۱۶	۳۴۵۵	۲۴۲۳	۷۷۰	۷۹۱	۱۸۹۷
خوراک پالایشگاهها	۷۸۲/۱	۷۲۱/۹	۸۰۶/۲	۷۱۶/۲	۵۲۱/۳	۵۶۲/۴

لازم به توضیح است که هرگاه میزان تولید نفت خام با مجموعه صادرات و مصرف داخلی (خوراک پالایشگاهها) برابر باشد، تراز تولید و مصرف معادل صفر خواهد بود، و هرگاه تولید بیش از صادرات و مصرف داخلی باشد، بدین معناست که بخشی از تولید نفت باید ذخیره شده باشد و متی سوم اینکه هرگاه میزان تولید کمتر از صادرات و مصرف نفت خام باشد، نتیجه میشود که از ذخایر برداشت شده است. در بیان آماری میزان برداشت از ذخایر را در جدول با علامت منفی و افزوده شدن بر ذخایر انبارها را با علامت مثبت نشان می‌دهند.

بدیهی است که نفت خام تولید شده در حالت "خام" تنها به سه منظور قابل استفاده است:

- ۱- صادرات
- ۲- خوراک پالایشگاههای داخل کشور
- ۳- ذخیره در انبارها

حال با توضیحات فوق، هرگاه بر اساس ارقام رسمی جدول فوق از میزان تولید نفت خام، ارقام مربوط به صادرات و خوراک پالایشگاهها را کسر کنیم، اختلاف آماری زیر بدست می‌آید:

واحد: هزار بشکه در روز

سال	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱
اختلاف آماری	۱۴/۱	۴۵/۱	۵۲/۲	۱۰/۲	۱۲۸/۷	۲۱۹/۶

بطوریکه ملاحظه می‌شود، در سالهای ۵۶، ۵۸ و ۵۹ به ترتیب مقادیر ۱۴/۱ هزار، ۵۲/۲ هزار و ۱۰/۲ هزار بشکه در روز (بطور متوسط) از انبارها نفت خام برداشت شده است، و در سال ۵۷ مقدار ۴۵/۱ هزار بشکه در روز (بطور متوسط) در انبارها نفت خام ذخیره شده است. ولی در طی سالهای ۶۰ و ۶۱ مقدار اختلاف آماری مثبت به نحوی غیر عادی فوق العاده بالاست و به ترتیب معادل ۱۲۸/۷ هزار و ۲۱۹/۶ هزار بشکه در روز (به طور متوسط) است که مجموع آن طی این دو سال ۱۲۷ میلیون بشکه می‌شود. مطابق آمار این حجم انبوه نفت هم می‌بایست ذخیره شده باشد. ولی پرسش اینست که در کجا و کدام مخازن ذخیره شده است؟

لازم است یادآوری کنیم که حجم کل مخازن انبارهای نفت خام ایران که عمدتاً در چهار جزیره معروف صادراتی خارک، سیری، بهرگانش و لوان قرار دارد، مطابق آمار رسمی ۲۶ میلیون بشکه نیست. پس باز هم باید این پرسش را تکرار نمود که حکام باتقوی جمهوری اسلامی چگونه ۱۲۷ میلیون نفت را در مخازنی با حجم ۲۶ میلیون بشکه جاداده‌اند؟

این تفاوت زمانی برجسته می‌شود که صدمات وارده بر انبارهای نفتی کشور را طی سالهای جنگ به حساب آوریم که بویژه در خارک ظرفیت مخازن را کاهش داده است. یعنی ظرفیت واقعی مجموعه مخازن

در خارک از ظرفیت اسمی ۲۶ میلیون بشکه بسیار کمتر شده است.

حتی اگر واقعیت فوق را هم نادیده بگیریم باز هم نمی‌توان پذیرفت که جمهوری اسلامی لااقل به اندازه ۲۶ میلیون بشکه ظرفیت اسمی، نفت در مخازن ذخیره کرده باشد. زیرا این تنها در صورتی قابل قبول است که مخازن در آغاز سال ۶۰ بکلی خالی بوده باشد که مطابق ارقام مندرج در جدول بالا این فرض را نمی‌توان پذیرفت. با احتساب نفت ذخیره شده در طول سال ۵۷ و با کسر کردن حجم برداشت در سال ۵۸ و ۵۹ روشن می‌شود که فقط در طی فاصله زمانی آغاز سال ۵۷ تا پایان سال ۵۹، هیجده میلیون بشکه نفت خام در مخازن نفتی ذخیره شده است. اگر به این رقم حجم نفت ذخیره شده تا آغاز سال ۵۷ هم افزوده شود، دیگر چندان جای خالی ای برای پذیرش ذخایر تازه در مخازن نفت باقی نمی‌ماند.

بهر صورت اگر هم ذخایر مخازن نفت خام کشور در سال ۵۷ نادیده گرفته شود باز هم این نتیجه عاید می‌شود که در پایان سال ۵۹ فقط نیمی از مخازن با ظرفیت کمتر از ۱۸ میلیون بشکه آمادگی پذیرش ذخایر تازه ای را دارند. پس ۱۲۷ میلیون بشکه به کجارتی است.

رژیم نمی‌تواند ادعا بکند که این مقدار ویا بخشی از آن را در مخازن سری ارتش ذخیره کرده و بنا به "مصالح امنیتی" آنرا در محاسبات وارد نکرده است. زیرا در مخازن ارتش نه نفت خام مورد محاسبه در این گزارش، که فقط فرآورده‌های نفتی ذخیره می‌گردد. فرآورده‌های نفتی را باید از پالایشگاهها تحویل بگیرند که رقم آن در همان رقم خوراک کل پالایشگاهها مستتر است و یا باید از خارج کشور وارد کرده باشند که باز هم ربطی به ارقام مندرج در جدول بانک مرکزی ندارد. بعلاوه باید توجه داشت که حجم مخازن سری ارتش بسیار کمتر از حجم مخازن وزارت نفت است.

هم چنین نمی‌توان پذیرفت که نفت خام را که اساس صادراتی است در انبارهای نفتی داخل کشور جا داده باشند. به علاوه در طول این سالها انبارهای داخلی نیز پر بوده‌اند. همه بخاطر داریم که طی همین مدت رژیم چه غذایی بخاطر ذخایر اضافی نفت کوره در انبارهای داخلی متحمل شد. بخاطر اختلال در کار پالایش و در صادرات نفت حجم نفت کوره در انبارهای کشور بالا رفت بگونه ای که جای چندان

برای ذخیره دیگر فرآورده‌ها باقی نماند پس اگر از رقم ۱۲۷ میلیون بشکه نفت خام مندرج در جدول بانک مرکزی، ۱۸ میلیون بشکه که حداکثر گنجایش انبارهای نفتی است کسر نماییم ۱۰۹ میلیون بشکه می‌ماند که گم شده است! قیمت هر بشکه را در طی آن سالها می‌توان ۲۰ دلار به طور متوسط برآورد کرد. به این ترتیب بهای نفت گم شده، ۲۲۷۰ میلیون دلار می‌شود. این مبلغ هنگفت با استناد به آمار بانک مرکزی بیرون از محاسبات دولتی قرار دارد.

این رقم فقط به دو سال ۶۰ و ۶۱ تعلق دارد. لابد در دو سال بعدی هم به همین روال عمل شده است و معلوم نیست که آن نفت و یا معادل دلار آن! در کدام انبار، کدام حساب، کدام کشور و یا کدام جیب ذخیره شده است؟

انرژی اتمی فرانسه که یک موسسه وابسته به دولت فرانسه می‌باشد، پرداخت شده است. دولت فرانسه طبق قرارداد مورخ ۴ اسفند ۵۳ که در تهران امضا گردیده است، باز پرداخت اصل و بهره وام مذکور را بدون هیچ گونه قید و شرطی ضمانت کرده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کمیساریای انرژی اتمی فرانسه به بهانه‌های بی اساس از انجام تعهدات خود و پرداخت اقسام بهره وام مذکور سر باز زد. اکنون اطلاع حاصل شده است که هیات دولت در جلسه مورخ ۶۲/۹/۱۲ تصمیم گرفته است که به جای اقدام جدی برای مطالبه وصول این طلب مسلم، قنیه را به داوری اتاق بازرگانی بین المللی در پاریس ارجاع نماید. با مراجعه به داوری اتاق بازرگانی بین المللی و اقامه دعوا علیه کمیساریای انرژی اتمی فرانسه از ضمانت یا اهمیت دولت فرانسه که برای چنین شرایطی اخذ شده است عملاً چشم پوشی شده است.

لازم به تذکر است که در روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت رئیس جمهور خامنه‌ای در دیدار با کاردار سفارت جمهوری اسلامی در فرانسه یکبار دیگر بر روی ضرورت بهبود روابط جمهوری اسلامی با فرانسه تاکید کرد و در این مورد رهنمود داد.

فتوای خمینی

برای حفظ اموال سرمایه داران فراری

اخیراً روابط عمومی بنیاد مستضعفان اعلام کرد که صانعی دادستان کل کشور طی نامه ای به خمینی در مورد اموال بلا تکلیف سرمایه داران فراری از وی استفسار کرده است. خمینی در پاسخ به این نامه، نظر داده است که بنیاد مستضعفان می‌تواند اموال غیر منقول و یا منقول بلا تکلیف را به نهادها و ادارات دولتی بفروشد به این شرط که خریدار ملزم باشد آن اموال را در هنگام بازگشت "صاحبان" فراری آنها، به قیمت زمان مراجعه به بنیاد مسترد کند تا به "صاحبان شرعی و قانونی" آنها بازپس داده شوند.

در نامه صانعی به خمینی آمده است: "اموال زیادی از غیر منقول از قبیل خانه و کارخانه و شرکت و باغها و زمینها و مغازه و پاساژ و امثال اینها بلکه از منقول مربوط به افرادیست که در خارج از کشور زندگی می‌کنند و به عللی تا بحال شخصا مراجعه ننموده تا وضع اموال آنها روشن گردد... بر حسب رویه متخذه از طرف دادستانهای انقلاب و بخاطر شرایط خاص انقلاب و اصل کلی این که دادستان کل حافظ حقوق جامعه است از ارگانها و نهادهای مختلف (بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید و غیره) نسبت به اموال سؤال می‌شود، آیا اجازه می‌فرمائید که در مواقع لزوم برای حفظ حقوق غائبین و حقوق بیت المال در حکومت اسلامی، آن اموال به قیمت عادلانه روز به ارگانها و نهادها فروخته شود لکن با شرط لازم خریدار به فروش به قیمت زمان مراجعه با مراجعه مالک در زمان معین یا خیر؟"

خمینی در پاسخ به این نامه، نوشته است: "در صورتی که حفظ مال غایب مبتنی بر این امر که مرقوم شده است باشد یا برای اوصالح باشد در فرض مذکور و شرط مذکور مجازید روح الله الموسوی الخمينی" (جمهوری اسلامی ۵ اردیبهشت)

نقش اتحاد شوروی، آمریکا و بریتانیا در جنگ دوم جهانی

سال ۱۹۴۲، سال چرخش قطعی در جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی و در کل جنگ جهانی دوم بود. در آغاز این سال، نیروهای اتحاد شوروی در استالینگراد کمر ارتش ششم هیتلر را شکستند و نیروی ۲۲۰ هزار نفره آن را با یک عملیات درخشان محاصره و نابود کردند. با این پیروزی، آمریکا و انگلیس از "شکست زودرس" فاشیسم هیتلری به هراس افتادند. سیاست اخلال در گشایش جبهه دوم، انگیزه تازه ای یافت.

دولتهای واشنگتن و لندن در حالیکه همچنان وعده گشایش جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ را می دادند، به عملیات جنگی در منطقه مدیترانه که از آلمان بسیار دور بود، مشغول بودند. اما این فریب، دیری نپایید. روزولت و چرچیل پس از ملاقات با یکدیگر در واشنگتن در ماه مه ۱۹۴۲ به استالین اطلاع دادند که گشایش جبهه دوم به سال ۱۹۴۴ موکول شده است. آلمان فاشیستی بازم با استفاده از این امر، در پنجم ژوئیه ۱۹۴۲ حمله تانکستانی سوم خود را علیه اتحاد شوروی در منطقه کورسک آغاز کرد. این یورش، با مقاومت قهرمانانه ارتش شوروی متوقف شد. نیروهای شوروی دست به حمله متقابل زدند و علیه نیروی بسیار قوی دشمن که از سی لشکر کارآمد تشکیل می شد، وارد عمل شدند. ارتش هیتلر، حدود نیم میلیون نفر، ۱۵۰۰ تانک و بیش از ۲۷۰۰ هواپیما از دست داد. آلمان و متحدین آن در همه جبهه های جنگ با اتحاد شوروی موضع دفاعی به خود گرفتند. نزدیک شدن ارتش سرخ به مرزهای اتحاد شوروی خبر نزدیک شدن پایان جنگ را می داد. بحران در بلوک فاشیستی تشدید میشد. جنبش رهایی بخش ملی در کشورهای تحت اشغال فاشیستها گسترش می یافت.

سال ۱۹۴۲ نشان داد که اتحاد شوروی به تنهایی قادر است خلقهای اروپا را از یوغ سلطه فاشیسم رهایی بخشد. رهبری سیاسی و نظامی آمریکا و انگلیس از اینکه نیروهای شوروی زودتر از نیروهای غربی به اروپای مرکزی و غربی برسند، نگران شده و ضرورت دست زدن به عملیات پیاده کردن نیرو در شمال فرانسه را دریافت. در کنفرانس تهران، منعقد در نوامبر و دسامبر ۱۹۴۲، توافق نهایی برای گشایش جبهه دوم حاصل شد. نباید از نظر دور داشت که در خود بریتانیا و آمریکا جنبش توده ای، گسترده ای در دفاع از خواست اتحاد شوروی مبنی بر گشایش جبهه دوم وجود داشت. اعمال فشار از سوی این جنبش، در تصمیم گیری پیرامون افتتاح جبهه دوم نقش مهمی ایفا نمود.

حتی پس از پیاده شدن نیروهای آمریکایی-انگلیسی در نورماندی (شمال فرانسه) در سال ۱۹۴۴ نیز، جبهه شرق همچنان اهمیت درجه اول و تعیین کننده خود را حفظ کرد. در سال ۱۹۴۴، سه چهارم نرات و تجهیزات آلمان نازی و اقام اروپایی آن، در این جبهه متمرکز بود. در جبهه جنگ با اتحاد شوروی، ۲۲۹ لشکر و در جبهه غرب، یعنی در فرانسه، بلژیک و هلند ۵۸ لشکر فاشیستی می جنگیدند.

نحوه برخورد آمریکا و انگلیس به جبهه دوم، اهداف امپریالیستی آنها را بازتاب می داد. در ائتلاف ضد هیتلری، این اتحاد شوروی بود که برای پیروزی هر چه سریعتر بر فاشیسم مبارزه میکرد. متفقین غربی، مبارزه با آلمان هیتلری را تابع نقشه های امپریالیستی خود کرده بودند.

برای پیروزی در یک "جنگ برق آسا" و انقش برآب کردند. نبرد مسکو، نقطه عطف جنگ علیه فاشیسم بود. در همین ماه، آمریکا وارد جنگ شد.

با حمله برق آسای نیروی هوایی ژاپن به پل هاربر، پایگاه اصلی نیروی دریایی آمریکا در اقیانوس آرام، و بدنبال آن حملات نیروی هوایی و دریایی ژاپن علیه مالزی، هندوچین، تایلند، سنگاپور، گوام، هنگ کنگ و فیلیپین، به مواضع استراتژیک آمریکا و انگلیس ضربات سنگینی وارد شد. در بهار ۱۹۴۲، ژاپن نیروی مسلط در اقیانوس آرام و آسیای جنوب خاوری را تشکیل می داد. ژنرال داگلاس مک آرتور، فرمانده کل نیروهای مسلح آمریکا در خاور دور، طی سخنرانی برای نیروهای آمریکایی در فیلیپین که در آستانه تسلیم به ژاپن بودند چنین گفت: "اینک امید تمدن بطور جدانشدنی با عملیات ارتش قهرمان سرخ و درفش تفرمند آن گره خورده است."

پس از مذاکرات پیچیده و طولانی، تصمیم گرفته شد جبهه دوم گشایش یابد. طی بیانیه های رسمی درجانبه میان اتحاد شوروی و آمریکا و همچنین اتحاد شوروی و بریتانیا، اعلام شد "موافقت کامل در باره ایجاد جبهه دوم در اروپا در سال ۱۹۴۲ حاصل گردید".

تعویق عمدی گشایش جبهه دوم

رهبران اتحاد شوروی واقف بودند که شکست نیروهای هیتلری در نبرد مسکو و تمرکز نیروی عمده آلمان هیتلری و متحدین آن در جبهه شوروی، شرایط مناسبی برای موفقیت یک ضربه استراتژیک علیه رایش سوم از جانب غرب، ایجاد کرده بود. اتحاد شوروی به حق انتظار داشت که بریتانیا و آمریکا، که ارتشی ۱۰ میلیون نفره در اختیار داشتند، دست به عملیات جنگی در اروپا زده و بخشی از نیروهای فاشیستی را از جبهه شرق به غرب بکشانند. این امر می توانست به تلاشی بلوک فاشیستی شتاب بسیار بیشتری بخشد و از تلفات جنگ بکاهد.

با این همه، جبهه دوم نه در سال ۱۹۴۲ و نه در سال ۱۹۴۳ گشایش نیافت. رهبری اتحاد شوروی از علت واقعی این امر آگاهی داشت، اما به منظور لطمه نزدن به ائتلاف ضد هیتلری، مایل نبود روابط میان متفقین تیره شود.

در این میان، دشمن از انفعال متحدین غربی اتحاد شوروی استفاده کرده و در تابستان ۱۹۴۲ دست به یک حمله گسترده در بخش جنوبی جبهه شوروی-آلمان زد. کاملاً روشن بود که اخلال در گشایش جبهه دوم و سایر کار شکنی های دولتهای بریتانیا و آمریکا، در چارچوب یک سیاست کلی انجام می گرفت. آنها می خواستند اتحاد شوروی که ستاد ارتش فاشیستی هیتلر همه ماشین جنگی آلمان را علیه آن متمرکز کرده بود، حتی الامکان تضعیف و بیرق شود. بریتانیا و آمریکا می خواستند به قیمت تحلیل رفتن قوای اتحاد شوروی نیروی خود را حفظ کنند و آن را در مرحله پایانی جنگ برای به کرسی نشاندن سیاست زورگویانه پس از جنگ، وارد صحنه سازند.

در ششم ژوئن ۱۹۴۴ با پیاده شدن نیروهای انگلیسی-آمریکایی در شمال فرانسه، جبهه دوم اروپا گشوده شد. به این جبهه از آن رو جبهه دوم اطلاق شد که اولین و اصلی ترین جبهه جنگ، جبهه شوروی-آلمان بود که در آن نیروهای عمده دولتهای بلوک فاشیستی متمرکز یافته بود. در این جبهه بود که رویدادهای تعیین کننده جنگ صورت گرفت، و در آنجا بود که دکترینها و طرحهای استراتژیک فاشیستهای هیتلری شکست خورد. تا سال ۱۹۴۴، ارتش سرخ و همه مردم شوروی سه سال تمام با فداکاری و به تنهایی با دشمن جنگیده بودند. جبهه شوروی-آلمان، تالپایان جنگ جهانی دوم مهمترین و تعیین کننده ترین جبهه باقی ماند. تنها پس از شکست های فضاقت بار و مکرر آلمان نازی در خاور بود که طرفهای غربی ائتلاف ضد هیتلری پیاده کردن نیرو در فرانسه را پذیرفتند. چه عاملی باعث شده بود این امر تا آن زمان به تعویق افتد؟ واشنگتن و لندن از به تعویق انداختن گشایش جبهه دوم چه هدفی را دنبال می کردند؟ رهبران آمریکا و انگلیس می دانستند که هرامه تاخیر در این امر، به معنای قربانیهای عظیم باز هم بیشتر نه تنها برای اتحاد شوروی، بلکه برای اکثر خلقهای اروپا بود.

مسئله گشایش جبهه دوم برای نخستین بار در پیام ژوزف استالین رهبر شوروی به چرچیل نخست وزیر بریتانیا در هجدهم ژوئیه ۱۹۴۱ مطرح شد. استالین در این پیام نوشت: "معتمد که اگر در غرب (شمال فرانسه) و شمال (مناطق قطبی) جبهه ای علیه هیتلر ایجاد گردد، وضعیت نظامی اتحاد شوروی و بریتانیا اساساً بهبود خواهد یافت. وجود جبهه ای در شمال فرانسه، نه تنها هیتلر را وادار خواهد ساخت بخشی از نیروهایش را از جبهه شرق عقب بکشد، بلکه پیاده کردن نیرو در انگلیس توسط هیتلر را نیز ناممکن خواهد کرد." اما چرچیل به بهانه نداشتن نیروی کافی، پیشنهاد شوروی را رد کرد.

با وخامت اوضاع در جبهه جنگ اتحاد شوروی علیه متجاوزین فاشیست، استالین در سپتامبر ۱۹۴۱ طی دو پیام به چرچیل بار دیگر مسئله نبرد مشترک علیه فاشیستهای هیتلری را مطرح ساخت. در پیام ها آمده بود که آلمان هیتلری بیش از سی لشکر پیاده نظام تازه نفس و مقادیر زیادی تانک و هواپیما به جبهه شرق فرستاده و چهل و شش لشکر متعلق به متحدین هیتلر، به فعالیت وسیعی دست زده اند. از این طریق اتحاد شوروی بیش از نیمی از اوکراین را از دست داده و دشمن به دروازه های لنینگراد رسیده است. ژوزف استالین هم چنین خاطر نشان کرد: "آلمانی ها خطر از جانب غرب را بیوف می دانند و بدون ترس از عواقب آن، همه نیروی خود را از غرب به شرق آورده اند، چرا که آلمانیان دارند جبهه دومی در غرب نیست و نخواهد بود. آنها این امر را کاملاً دشمنی می دانند که دشمنان خود را تکتک شکست دهند، اول روسها و بعد انگلیسی ها." چرچیل این تقاضا را بار دیگر رد کرد.

در دسامبر ۱۹۴۱، نیروهای شوروی ارتش فاشیستی را در نزدیکی مسکو شکست دادند و نقشه هیتلر

شمه‌ای از فداکاریهای مردم شوروی در پشت جبهه

ساختمان کارخانه استفاده شد. در سوردلوسک، سالن مطالعه کتابخانه جدید الاحداث شهر مورد استفاده قرار گرفت. امروز آن ایرا به کارعادی خود مشغول است و کتابخانه به ساختمان جدیدی انتقال یافته است.

در سالهای جنگ، بسیاری گروههای تئاتر از مسکو، لنینگراد و کیف برای استفاده مردمی که در منطقه صنعتی اورال ۱۲ تا ۱۵ ساعت در روز کار می کردند، به آنجا انتقال یافت. مردم فرهنگ دوست شوروی، در مواردی تا ساعتی زیاد در سالن نمایش در انتظار هنرمندان که قهارشان تاخیر داشت صبر می کردند.

مردم علیرغم همه مشکلات، علیرغم سرما و گرسنگی، به زندگی و مبارزه ادامه می دادند. پشت جبهه هم یک جبهه بود، چه از لحاظ مبارزه فیزیکی نیروی انسانی و چه از نقطه نظر اهمیت آن برای پیروزی. مردم شوروی همه نیروی خود را به کار بردند تا فاشیستها را سرکوب کنند و پیروز شوند.

شوروی به کمک راه آهن و اغلب زیر آتش و بمباران دشمن به مناطق شرقی انتقال یافت. از روز نخست جنگ تا دسامبر ۱۹۴۱، نیروی هوایی هیتلر مسیرهای راه آهن مربوطه را ۵۹۳۹۱ بار مورد حمله قرار داده و ۴۶ هزار بمب روی ایستگاهها، پلها و قطارهای رخت. کارخانه هایی که به پشت جبهه انتقال یافت، یک سوم محصولات صنعتی اتحاد شوروی را تولید می کرد. اکثر کارخانه ها در منطقه اورال مستقر شدند. منطقه صنعتی اورال در همان روزهای نخست جنگ، صنایع مدرن خود را که در سالهای پیش از جنگ ساخته شده بود، در خدمت جنگ قرار داد و وارد نبرد با صنایع تسلیحاتی آلمان و در حقیقت تمام اروپا که تحت اشغال فاشیستها بود، شد. در صورت کمبود جا برای احداث کارخانجات، خارق العاده ترین امکانات فراهم می آمد. مثلا در چلیابینسک، از عمارت ایرا که در دست ساختمان بود، بعنوان

۴۰ سال از پیروزی تاریخ ساز خلقهای شوروی بر فاشیسم هیتلری می گذرد. در بهار ۱۹۴۵، ارتش سرخ، کار آزادی اروپای خاوری از یوغ فاشیسم را به پایان رساند و در نخستین روزهای ماه مه، پرچم ظفر نمون اتحاد شوروی بر فراز بنای رایشتاک، (پارلمان آلمان) به اهتزاز درآمد. بدون تردید، این پیروزی بزرگ تنها بر بستری از فداکاریهای سترگ و ایثار بیمانند مردم شوروی امکان پذیر گردید. آنها نه تنها مصائب و سختی های ناشی از جنگ را چهار سال تمام تحمل کردند، بلکه با چند برابر کردن تلاش و کوشش خود، با افزایش تولید و با فعالیت در پشت جبهه، نقش تعیین کننده ای در درهم شکستن ماشین جنگی متجاوزین فاشیست ایفا نمودند. در آن روزها پر اودا نوشت: "مردم مادریک دست ششیر و در دست دیگر چکش دارند. کشور می جنگد و می سازد." ۲۵۹۲ واحد تولیدی صنعتی از مناطق جنگی اتحاد

انتشار یک سند پرازش

بقیه از صفحه اول

ای سرنگون کردن این رژیم استبدادی قرون وسطائی است " و " برای پیروزی در این مبارزه بر حق و عادلانه از همه شیوه های مبارزه سیاسی از تظاهرات خیابانی گرفته تا اعتصابات کارگری و نیز شیوه های قهر آمیز مسلحانه توده ای می توان و باید استفاده کرد."

بیانیه در بخش های بعدی شکل و مضمون حکومتی را که می تواند جاننشین رژیم " ولایت فقیه " باشد توضیح می دهد. در این بخش تاکید می شود " کارنامه رژیم شمشای در ایران سیاه است. فجایع رژیم " ولایت فقیه " مرقدی که باشد، مجوز بازگشت به عقب نیست. از مطلق انقلاب بهمن نباید گامی به عقب برداشت " " زحمت کشان و میهن پرستان ایران در راه جمهوری ملی و دموکراتیک مبارزه می کنند.

ارگان های این جمهوری از بالا تا پایین، در یک انتخابات آزاد، مستقیم و مخفی از طرف مردم انتخاب می شوند و در برابر مردم پاسخگو خواهند بود."

در بخش پایانی این سند با تاکید بر اینکه " برای رسیدن به اهداف ملی و دموکراتیک تشکیل جبهه واحد از کلیه نیروهای ملی و مترقی ضرورت حاد دارد " برنامه چنین جبهه ای بطور مبسوط مطرح شده است

بیانیه مشترک دو گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران روشنی بخش راه رژیم فدائیان خلق وتوده ایها و همه مبارزینی است که در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح پیکار می کنند. انتشار این سند، برای جنبش انقلابی خلق مارویداد برجسته ای محسوب می شود. با مطالعه دقیق آن می توان ارزیابی درست از تحولات بغایت بغرنج میهن مان را در سالهای اخیر دریافت.

این سند به صورت یک جزوه، ضمیمه همین شماره اکثریت است. ما مطالعه آن را به همه رزمندگان و میهن پرستان و به همه کسانی که در آرزوی بنای ایرانی آزاد و آباد هستند، توصیه می کنیم.

درباره یک عکس نکانهنده از جنایت هولناک فاشیستهای هیتلری

نخست سال ۱۹۴۲ ماموریت یافت تا گزارشی از عملیات ارتش شوروی در منطقه کرج (شبه جزیره کریمه) تهیه کند. هنگامی که هواپیمای حامل او در منطقه به زمین نشست، سرنشینان آن با صحنه ای دهشتناک روبرو شدند: اهالی شهر در این ناحیه به کندن ستر مشغول بودند که فاشیستها سرسیدند. آنها پیش از عقب نشینی، بیش از ۷ هزار انسان را به قتل رساندند. خبرنگار عکاس، هنگامی که سایر اهالی شهر به محل رسیدند، شاهد شیونها و زاری تکان دهنده بستگان مقتولین بود. زنده ها، مرده ها را صدا می کردند، پدر، فرزند را، مادر چکر گوشه اش را،... دوحلقه فیلی که بالترمانتس از این صحنه گرفت، برای آیندگان به یادگار مانده است.

عکسی که در اینجا مشاهده می کنید، در سراسر جهان بعنوان معروف ترین مظهر ددمنشی و سفاکی فاشیستهای هیتلری در جبهه های جنگ با اتحاد شوروی شناخته شده است. هیچ کس نام و نشان انسانی را که تصویرشان در این عکس نقش بسته است، نمی داند. گویی این انسانها باید گننام بمانند تارنجی که کشیده اند به مظهر رنج همه مردم شوروی، به مظهر رنج همه بشریت تبدیل گردد. هاینریش بول نویسنده آلمانی در باره این تصویر گفته است: " این، کریمه افراد نیست. کریمه بشریت است."

خبرنگاری که عکس زیر را گرفته است، دیتمتری بالترمانتس نام دارد. او در روزهای





۹ ماه پس از اعتصاب در شرکت ساسان چه می گذرد؟

همانگونه که در گذشته خبر داده بودیم بدنبال اعتصاب بزرگ شرکت ساسان گروهی از کارگران دستگیر و گروهی اخراج شدند. خبرهای تازه حاکی است که تعدادی از دستگیر شدگان به زندانهای طویل المدت تا چند سال محکوم گردیدند. در این کارخانه علاوه بر کسانی که برای همیشه اخراج شدند، عده ای را در حدود ۱۲۰ نفر از کار معلق کرده اند. به آنها ماهانه فقط دو هزار تومان پرداخت می کردند تا دادگاه وضعیت استخدامی شان را روشن نماید. اما اخیراً بی آنکه از سوی دادگاه پاسخی به آنها داده شده باشد همان مقرری ناچیز را نیز بکلی قطع کردند. الان بیش از سه ماه است که به این عده هیچگونه حقوقی داده نشده است.

کارگران با تصرف کارخانه اداره کار را به تسلیم واداشتند

در پنجم فروردین ماه کارگران کارخانه پشم شیشه واقع در جاده سیمان شیراز درهای کارخانه را بسته و این محل را در اختیار خود گرفتند. آنها از ورود دو مهندسی که دستمزد کارگران را بالا کشیده بودند جلوگیری کردند. اعتراضاتی که پیش از این کارگران کرده بودند، به نتیجه ای نینجامید و مهندسین فاسد با حمایت اداره کار بر سر کارشان ابقا شدند.

در پی تصرف کارخانه توسط کارگران، ژاندارمها را از پاسگاه احمد آباد به کارخانه گسیل داشتند. اما آنها در برابر مقاومت سرسختانه کارگران کاری از پیش نبرده و ناچار به عقب نشینی شدند و کارخانه همچنان در تصرف کارگران باقی ماند. پایداری کارگران، اداره کار را به عقب نشاند و دو مهندس فاسد بالاخره از کارخانه رانده شدند.

ترفند تازه مسئولین برای ندان دستمزدها تعطیلات عید

مدیریت کشت و صنعت جیرفت در ۲۹ اسفند ماه قراردادهای کارگران روز مزد را لغو نمود و از آنها خواست تا در دو گروه در روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین برای تجدید قرارداد به کارگزینی مراجعه کنند. این ترفند مدیریت به این خاطر بود که کارگران را از دریافت حقوق ایام تعطیلات نوروز محروم نمایند. این حرکت انزجار عمیقی در میان کارگران برانگیخت.

تجمع کشاورزان روستاهای شیراز در برابر اداره کشاورزی

اخیراً گروه کثیری از کشاورزان روستاهای اطراف شیراز در برابر اداره کشاورزی استان فارس گرد آمدند و خواستار دریافت بذریه صیفی جات و برخی دیگر از وسائل مورد نیاز کشاورزی شدند. این اقدام دسته جمعی کشاورزان در پی مراجعات بی نتیجه نمایندگان شوراهای روستائی صورت گرفت. پاسخ مسئولین چه به نمایندگان شوراهای و چه به گروه کشاورزان این بود که بدستور مقامات بالا بذریه صیفی جات به کشاورزان داده نخواهد شد. بذریه موجود سهمیه صاحبان اراضی بزرگ است. کشاورزان به این پاسخ وقیحانه اعتراض کردند و با نمایندگان اداره که برای پراکنده ساختن آنان آمده بودند درگیر شدند. در نتیجه درگیری حاصله خسارات بسیاری به ساختمان اداره کشاورزی وارد شد و پنجره های آن منهدم گردید.

این درگیری، تا ساعاتی چند ادامه یافت و در طول این مدت آمد و رفت به این اداره متوقف و کار آن تعطیل گردید. کارمجد آن پس از حمله پاسداران به کشاورزان و دستگیری تعدادی از آنان آغاز گردید.

"دور جبهه را خطبکشید!"

دریادگان آموزشی شاهرود مسئولین را که اکثراً دیپلمه هستند، آموزش نظامی می دهند. چندی پیش و قتیکه یکی از فرماندهان درباره اعزام به جبهه و چگونگی بر خورد با مسائل آنجا صحبت می کرد به ناگهان سربازی از نه سالن گفت:

"دور جبهه را خطبکشید. ما که برای رفتن به جبهه اینجا نیامدیم."

بقیه سربازان نیز هر یک در پشتیبانی از او چیزی گفتند و هیاهوی غریبی بر پا شد. فرمانده که غافلگیر شده بود پس از لحظاتی پرسید:

"پس برای چه اینجا آمدید. ما که برای تفریح کردن شما را به سربازی نیاوردیم." همه تان به جبهه اعزام خواهید شد."

در این هنگام سرباز دیگری داد زد:

"وقتی صحبت جبهه باشد ما هم فرار می کنیم. برای چه بمیریم!"

این سخنان که حمایت یکپارچه دیگر سربازان را به همراه داشت، فرمانده را به سکوت وادار کرد.

در همین یادگان در دستشویی ها و نقاط دیگر این شعارها دیده می شود:

مرگ بر جنگ افروزان
به جنگ خانمه دهید
مرگ بر ارتجاع
زنده باد فدائیان اکثریت
ما به جبهه نمی رویم.

اعتراض به شکست عملیات بدر

در اوایل فروردین صیاد شیرازی در نامه محرمانه ای خطاب به فرماندهان یکانها و نیروی،

زمینی چنین نوشت:

"شکست عملیات بدر تا حدود زیادی بخاطر کم بها دادن به آموزش عملی سربازان می باشد. شما باید جدیت بیشتری از خود نشان دهید. اکثر سربازان نمی توانند جان خود را نجات دهند و روحیه آنها هیچ تعریفی ندارد...."

تظاهرات ضد جنگ در رامهرمز

شهر رامهرمز یکی از کانونهای فعال مخالفت با جنگ و رژیم در هفته های اخیر بوده است. بعد از اصابت یک موشک عراقی به یک مدرسه و کشته شدن تعدادی از دانش آموزان، مردم خشاکی به خیابانها ریخته و به شعار دادن علیه رژیم و تداوم جنگ پرداختند. علاوه بر رامهرمز در بقیه شهرهای خوزستان از جمله دزفول حرکتی اعتراضی مختلفی علیه جنگ صورت گرفته است.

مردم، خاطرات روزهای انقلاب را پاس می دارند

— در میدان مجسمه شهر مشهد در رژیم سابق مجسمه ای از شاه منقرض نصب بود که مردم در انقلاب آن را به زیر کشیدند. اما پایه مجسمه که از بتون ساخته شده بود برجای ماند. برای مردم مشهد، وجود پایه بدون مجسمه در وسط میدان یادآور روزهای پرشکوه انقلاب بود. اخیراً شهرداری مشهد بر آن شد تا برای زدودن هر خاطره ای از انقلاب این پایه را منهدم نماید. لذا شبانه گروه تخریب سپاه اقدام به دینامیت گذاری در زیر آن کردند. انفجار دینامیت در نیمه شب علاوه بر ایجاد اضطراب، باعث شکسته شدن شیشه های پنجره های منازل تا شعاع زیادی گردید. عده ای نیز مجروح شدند. این رویداد اعتراض مردم را برانگیخت. آن ها با مراجعه به شهرداری ضمن اعتراض به این عمل، خواستار دریافت خسارات وارده شدند. شهرداری ناچار به پذیرش این خواسته گردید و ضمن پرداخت خسارت متعهد شد که از منهدم ساختن پایه مجسمه صرف نظر کند.

مقاومت دستفروشان در برابر نیروهای دولتی

— در ماه های اخیر خیابان های شهر تبریز صحنه درگیری های شدید فروشندگان خرده پای کنار خیابان ها و مامورین حکومتم بود. این فروشندگان که جوانان بی کار، روستائیان مهاجر و کارگران تارخانات هستند در برابر حملات اوباشانه گماشتگان رژیم به مقاومت برخاسته و با استفاده از همه اشکال از خود دفاع کردند. آنها مقاومت خود را به طور دسته جمعی پیش بردند. پیش تر مامورین شهربانی را به مقابله آن ها فرستاده بودند و پس از این که همه تشیقات شهربانی به شکست انجامید، اکیپ های مخصوص شهرداری مامور این کار شدند. اما مبارزه جمعی این فروشندگان فقیر و زحمتکش که به دفعات به درگیری های سنگین منجر شده بود به پیروزی رسید و در هفته های گذشته این اکیپ هانیوز به ناچار حرکات ایدائی را کاهش دادند.

ده سال از سقوط سایگون گذشت

روزی که خلقی قهرمان، پشت امپریالیسم دلار را به خاک مالید

دهم اردیبهشت سال ۵۴ را همه مبارزین بخاطر دارند. تیتراهای درشت روزنامه‌های تهران در یازدهم اردیبهشت چنین بود: "سایگون بلاقید و شرط تسلیم شد"، "سایگون سقوط کرد"، در اردیبهشت ۵۴ پیروزی غرور آفرین خلق ویتنام بر امپریالیسم آمریکا شادمانی بی حد و حصر مردم را برانگیخت. "سقوط سایگون"، پیروزی بر دیکتاتوری شاه، پیروزی بر امپریالیسم در میهن را نوید می‌داد. پیروزی ارتش رهایی بخش ویتنام، پیروزی همه مردمی بود که با امپریالیسم پیکار کرده و می‌کنند.

ویتنام، مظهر پایداری

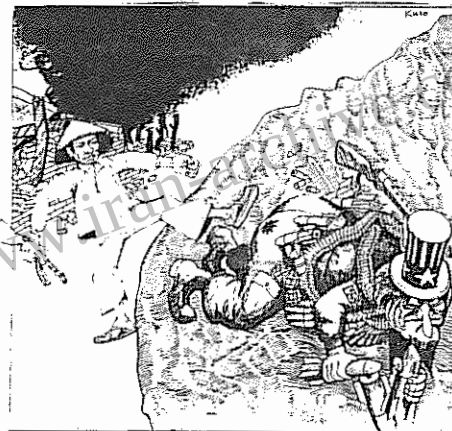
ویتنام در فاصله سالهای ۱۸۵۸ تا ۱۸۸۴ به تدریج به تصرف کامل نیروهای مسلح قدرت استعماری فرانسه درآمد. در سال ۱۸۹۲، "منطقه تحت الحمايه هندوچین"، شامل ویتنام، لاوس و کامبوج تشکیل شد. حزب کمونیست ویتنام که در سال ۱۹۳۰ تشکیل شده بود. کارگران، دهقانان و روشنفکران میهن پرست را در مبارزه علیه امپریالیسم سازمان داد. در سال ۱۹۴۰، ارتش ژاپن به ویتنام حمله کرد. فرماندار فرانسوی ویتنام که از دولت مارشال پتن، متحد هیتلر، پیروی می‌نمود، ژاپنی‌ها را با آغوش باز پذیرا شد. در همان سال، جبهه رهایی بخش موسوم به "ویت‌مین" به ابتکار هوشی مین تأسیس گردید و جنگ پارتیزانی را آغاز کرد. در اوت ۱۹۴۵، با فروپاشی امپراتوری ژاپن، این جبهه قدرت را به دست گرفت و جمهوری دموکراتیک ویتنام تشکیل شد. امپریالیسم فرانسه، در دسامبر ۱۹۴۶ لشکرکشی خود را با هدف سرنگونی دولت انقلابی ویتنام آغاز کرد. این جنگ، که در آن ۱۷۵ هزار سرباز فرانسوی شرکت داشتند در سال ۱۹۵۴ با سقوط دژ دین‌بین‌فو به شکست متجاوزین انجامید. امپریالیسم فرانسه به زانو درآمد و جای خود را به امپریالیسم یانکی داد.

آمریکا در همان سال در جنوب ویتنام رژیم پوشالی نگو دین دیم را ایجاد کرد. در حالی که "سیا" بلافاصله کار تشکیل اردوگاههای خرابکاری علیه دولت انقلابی در شمال را آغاز نمود و رژیم نگو دین دیم دست به "تصفیه" خونینی زد. در فاصله ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۹، دژ خیمان دیم، ۷۵ هزار نفر از مردم جنوب ویتنام را به قتل رساندند. در بیستم دسامبر ۱۹۶۰، "جبهه رهایی بخش ملی" در جنوب ویتنام با شرکت سازمانهای روشنفکران، سندیکاها، اتحادیه دهقانان، انجمنهای زنان و هنرمندان، گروههای مذهبی، احزاب بورژوازی ملی، اقلیت‌های ملی و "حزب انقلابی خلق ویتنام" تشکیل شد. هدف جبهه، در برنامه آن آزادی جنوب و وحدت دوباره کشور اعلام گردید. ارتش رهایی بخش مردمی، که نیروی اصلی آن را دهقانان تشکیل می‌دادند، مبارزه مسلحانه علیه رژیم دیم را آغاز کرد.

امپریالیسم آمریکا، برای نجات رژیم سایگون وارد عمل شد. در سال ۱۹۶۲، هتکامی که

۱۶ هزار سرباز آمریکایی در جنوب ویتنام به سر می‌بردند، ژنرال هارکینز فرمانده آنان گفته بود در عرض چند ماه پیروز خواهد شد. ستاد ارتش آمریکا بعدا اعلام کرد وجود ۲۰۵ هزار نفر از ارتش آمریکا برای "تمام کردن کار" ویت‌کنگ‌ها و ارتش ویتنام شمالی کافی است. این رقم بعدا در اوج حضور نظامی آمریکا به ۵۵۰ هزار نفر رسید.

آمریکا در طول جنگ خود علیه جمهوری دموکراتیک ویتنام و نیروهای رهایی بخش جنوب، ۷ میلیون تن بمب، یعنی بیش از کل مقدار بمبهای بکار برده شده در جنگ جهانی دوم، بر سر مردم ویتنام ریخت. ۴۲۰ هزار کشته، ۲۶۰ هزار معلول، ۸۰۰ هزار کودک یتیم، ۵۰۰ هزار معتاد به مواد مخدر، ۲۰۰ هزار روسپی، ۱۰ میلیون نفر روستایی آواره، ۳۰ میلیون پیکار، هفت میلیون بیسواد، یک میلیون مسلول، یک میلیون و هفتصد هزار هکتار اراضی بمباران شده (شامل ۱۰ درصد کشتزارهای برنج) و موسوم،



ناپودی ۱/۵ میلیون دام و نه هزار شهر و روستای ویران شده، ارمغان امپریالیسم دلار، این نماینده "جهان آزاد" برای ویتنام بود.

اما ویتنام پایداری ماند. در سال ۱۹۷۲، نیروهای آمریکایی مجبور به ترک ویتنام شدند، و دو سال بعد، در سی ام آوریل ۱۹۷۵، نیروهای مسلح رهایی بخش که از سوی مردم بپاخاسته حمایت می‌شدند، وارد سایگون شدند.

جنگ پایان یافت، مبارزه ادامه دارد

با آزادی جنوب، خلق ویتنام با وظایف اساسی نوین و دشواری روبرو بود. می‌بایستی آثار شوم نواستعمار در جنوب محو شده در آنجا در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تحولات بنیادین صورت گرفته و شرایط لازم برای پیشبرد موفقیت آمیز کل کشور در مسیر رشد سوسیالیستی ایجاد می‌گردید.

حزب کمونیست ویتنام در کنگره چهارم و پنجم خود، منعقد در دسامبر ۱۹۷۶ و مارس ۱۹۸۲ مشی عمومی ساختمان جامعه نوین در ویتنام را با توجه به شرایط پس از پیروزی بهار ۱۹۷۵ تدوین و تصدیق نمود.

ویتنام برخلاف اکثر کشورهای سوسیالیستی اروپا، جامعه نوین را با دوزدن مرحله رشد سرمایه داری و در شرایط سطح رشد پایین نیروهای مولده می‌سازد. از جمله، در سال ۱۹۷۵ بخش اعظم تولید ملی در کشاورزی متمرکز بود. کشاورزی ویتنام عمدتاً از واحدهای کوچک تولیدی تشکیل می‌شد. برای اینکه دریا بیم سطح اولیه پایه مادی اقتصاد ویتنام تاچه حد پایین بود، کافی است در نظر آوریم که درآمد سرانه ملی در سال ۱۹۷۵ تنها به ۱۲۵ دلار بالغ می‌شد.

همچنین باید در نظر گرفت که استعمارگران آمریکایی در خاک ویتنام آثاری بجا گذاشته بودند که عواقب بسیار سنگینی داشت: میلیونها کشته، معیروج، معلول و معیروج غیرقابل علاج سلاحهای شیمیایی، میلیونها پیکار فاقد منبع امرار معاش، صدها هزار کودک یتیم، هزاران معتاد به مواد مخدر، صدها کارخانه، هزاران کیلومتر راه، شهرها و روستاهایی که با خاک یکسان شده بودند، مزارع آلوده به ناپالم و... این تنها فهرست بسیار مختصری از جنایاتی است که آمریکا در ویتنام مرتکب شد.

اقتصاد، عرصه اصلی مبارزه

ویتنام متحد در اقتصاد به موفقیتهای محسوسی دست یافته است. محور آثار جنگهای تجاوزکارانه در جریان است. تأسیسات ویران شده کشاورزی، صنعت و حمل و نقل بازسازی شده اند.

در مهمترین شاخه اقتصاد، یعنی در کشاورزی که ۸۰ درصد جمعیت در آن شاغلند، دگرگونی ایجاد شده است. اینک نیاز مردم به مواد غذایی عمدتاً از منابع داخلی تأمین میشود.

در صنایع نیز حرکت روبه پیش است. علیرغم دشواریهایی که از جمله ناشی از تحریم اقتصادی ای است که نیروهای امپریالیستی و سایر نیروهای ارتجاعی علیه جمهوری اعمال می‌کنند، در برنامه پنج ساله جاری (۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵) میزان متوسط سالانه رشد تولید صنعتی به بیش از ۱۰ درصد می‌رسد. تولید انرژی برق، سیمان، محصولات ماشین، کود شیمیایی، پارچه و کاغذ افزایش یافته است.

به حل مسئله سوخت و انرژی، توجه خاصی مبذول می‌گردد. به کمک اتحاد شوروی، تعدادی نیروگاههای بزرگ آبی و حرارتی در دست ساختمان است. از آن جمله است مجتمع آبی هوا بین، نیروگاه حرارتی فالای و نیروگاه آبی تریان-فعالیتهایی در رابطه با منابع نفت گاز جنوب ویتنام در جریان است. تلاشهایی برای گسترش معادن صورت می‌گیرد. در منطقه زغال سنگ گوانگ لین معادن جدیدی مورد بهره برداری قرار می‌گیرد.

وضع حمل و نقل بطور محسوسی بهبود یافته است. در بنادر هایفونگ، هونگ کای و کامیا اسکله‌های جدیدی ساخته شده است. رفت و آمد قطارها در مسیر اصلی و سرتاسری راه آهن ویتنام، از هانوی تا شهر هوشی مین، از سر گرفته شده است. هواپیماهای مسافربری هواپیمایی کشوری که در سال ۱۹۷۶ ایجاد شد، اینک در داخل کشور در حدود ۲۰ مسیر را می‌پیمایند که جمعا طولی معادل ۷۰ هزار کیلومتر دارد.

بقیه در صفحه ۱۰

این نابسامانی را به گردن ناشرین غیردولتی می اندازد.

همان سرفقاله نویس می گوید: "بازاری که ناشران دولتی و نیمه دولتی ما این روزها سعی در همگامی با آن دارند، خود بازاری بحران زده است. دیر یا زود خوانندگان از این همه کتاب تکراری و تجدید چاپی خسته خواهند شد و ناشران خصوصی هم نه می توانند محصولی در خور طبع خوانندگان مشکل پسند پیدا فرام کنند... باید به این حضرت و سایر حضرات گفت که خوانندگان مدتهاست که از کارهای ساخته شده اندکترین دلیل آنهم، خلوتی جلو داشتگاه، پایین آمدن تیراژ کتابهای شاه و همین سرفقاله شرمگین شاست که حالا که کفایت به تندیگتازان خورده صدایش را شنیده اید. سرفقاله نویس می گوید اکنون که "... انحصار پاپان پذیرفته و مرکز کار موسسات نشر تقریباً تعیین شده"، باید کاری کرد. اما اگر این رژیم کاری می توانست بکند تا بحال کرده بود!

رژیم در عرصه فرهنگ و ادب به بن بست رسیده است و او که بر سر راه نویسندگان و ادیبان برجسته چاه می کند و هنوز هم می کند خود در چاه افتاده است. هم اینکه آثار هنری و ادبی برجسته که مخفیانه تکثیر می شوند با قیمت های سرسام آوری بفروش می رسند، ترجمه های به آذین، آثار شاملو، دانته، شولوخوف، گورکی و... به قیمت های چند صد تومان برای هر جلد بفروش می رسند، گرچه برای کتابخوان های ایران پرداخت چنین قیمت هایی کمرشکن است، اما این تشنگی و علاقه، یک چیز را نشان میدهد و آن اینکه، جمهوری اسلامی چیزی در چینه ندارد و مردم ایران در مقابل ادبیات ارتجاع ایستاده اند و تشنه ادبیات انقلابند.

رژیم در بن بست فرهنگی

مجله "نشر دانش" که یکی از بالاترین ارگانهای باصلاح فرهنگی رژیم به حساب می آید توسط همان سرکوبگران دانشگاه تحت عنوان انقلاب فرهنگی منتشر می شود در سرفقاله شماره بهمن و اسفند سال ۶۲ خود می نویسد: "چیزی که این روزها زیاد به چشم می آید فراوانی کتابهای تجدید چاپی است." درست هم همین است. وقتی قلم های انقلاب شکسته یا به بند کشیده شده باشند، وضعیتی بهتر از این بوجود نخواهد آمد. آقایان که چیزی در چینه ندارند، به دیگر اندیشان "هم که مجوز نشر داده نمی شود، میماند تجدید چاپ و باز هم تجدید چاپ تازه آنهم نه هر کتابی بلکه کتبی که پایه های لرزان حکومت تحمل آنها را داشته باشد.

نشر دانش در مانجا می نویسد: "این وضع به خصوص در مورد کتابهای تحقیقی معسوتر است. اگر در بازار کتابهای تفننی در کنار ژورنل و ژوف بالسامو، سه تفکدار و خواجه تاجدار! کتابهای جدیدی هم منتشر شود، خریداران کتابهای جدی و تحقیقی به خصوص آنچه به مواربت فرهنگی خود ما مربوط می شود، معمولاً دست خالی از بازار برمی گردند، زیرا آنچه منتشر می شود عمدتاً با تجدید چاپ کتابهای قبلی توسط همان ناشران پیشین است یا کلاهی مسروقه ای است که ناشر سودجوی تازه کاری احیاناً با متنی تغییرات ظاهری به نام "تصحیح" یا "تحقیق" جدید روانه بازار کرده است."

البته سرفقاله نویس که خود نیز از تیغ خشم و تصفیه رژیم متبوعش در هراس است گناه بخشی از

چندی پیش سرفقاله نویس کیهان باصلاح فرهنگی ناچار شد با تاسف و خشم اعتراف کند که پس از انقلاب مشروطه و تاکنون هر چه شعر و نوشته و تحقیق برجسته وجود داشته است و هر چه چهره های ارزشمند هنری و ادبی بوده از "دگراندیشان" بوده است و "بچه مسلمانها" نتوانسته اند کاری در خور عرضه کنند. البته اگر سرفقاله نویس کیهان بی فرهنگان، چنین اعترافی هم نمی کرد، حقیقت برای مردم ایران مثل روز روشن نبود؛ آقایان چه دارند که به مردم مایه دهند؟ آیا میشود در باره ارزش حجاب مورد علاقه آقایان رمانی مثل ژان کریستف یا جان شیفته نوشت؟ آیا وقتی ملی تراشی خلاف اسلام است می توان یک حساس بزرگ ملی همانند شاهنامه سرود؟ آیا وقتی مجسمه سازی حرام اعلام شده است از درون دست اندرکاران حکومت ولایت فقیه میکل آنسوی تولد خواهد یافت؟

انقلاب خروشمندی که در جریان و پس از پیروزی خود سیل نیرومند مردم را از کوچک و بزرگ به سوی کتابفروشیها و کتابخانه ها روانه کرد می توانست بستری برای آفرینش و عرضه گرانمایه ترین کتب علمی و ادبی باشد؛ اما از همان روزهای نخست او با شانی باجماق حزب فتنه حزب الله... به مردم کتابخوان و کتابفروش هجوم بردند تا بلکه بتوانند ریشه های فرهنگ انقلابی را بشکند و اوها هم خود را جایگزین آن کنند. در همان زمانی که نویسندگان و شاعران مردمی ایران دست اندرکار ترجمه و سرودن و نوشتن و آفرینش بودند، مرتجعین حاکم عمده ترین وظیفه خود را هجوم او با شانه برای انحلال نهادهای فرهنگی میهن ما همانند شورای نویسندگان و هنرمندان ایران، کانون نویسندگان ایران و سایر کانونهای هنری میدانستند

روزی که خلقی قهرمان...

بقیه از صفحه ۹

اقدامات زیادی برای تقویت مواضع بخش دولتی و تعاونی در بازرگانی صورت می گیرد. ارگانهای مدیریت و برنامه ریزی نظام واحد اقتصادی در دست تکمیل است. ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام در ژوئیه ۱۹۸۴ به بررسی این مسائل پرداخت و تصمیم به انجام اقدامات مشخصی برای بر طرف کردن نواقص در این عرصه گرفت.

در جنوب ویتنام، پس از آزادی دگرگونیهای مهمی صورت پذیرفته است. در همان ماههای نخست، اکثر واحدهای صنعتی تولید را از سر گرفتند. در بازرگانی ایجاد نظام دولتی و تعاونی تجارت و توزیع کالا در کنار بخش موجود خصوصی آغاز شده است.

کشاورزی جنوب دوباره احیا می شود. میلیونها بمب و مین خنثی شده است. ده میلیون کشاورز که در سالهای حاکمیت رژیم نواستعماری در چار چوب سیاست "شهری کردن اجباری" آنها را به شهر ها آورده بودند، به روستاها بازگشته اند. اشکال گوناگون شکل دهقانان گسترش زیادی یافته است. در سال ۱۹۸۴، بریکادهای تولید، گروههای کمک متقابل در کار و تعاونی های تولیدی کشاورزی بیش از نیمی از دهقانان را در بر می گرفت که حدود ۵۰

ویتنام از سال ۱۹۷۸ عضو شورای همکاری اقتصادی است. جمهوری سوسیالیستی ویتنام با اکثر کشورهای سوسیالیستی قراردادهای دوستی و همکاری منعقد کرده است. کمک اتحاد شوروی، نقش مهمی در حل مسائل ساختمان سوسیالیسم در ویتنام ایفا می کند. از جمله، باید از ساختمان بیش از ۲۰ واحد تولیدی بزرگ نام برد. طبق برنامه دراز مدت گسترش همکاری اقتصادی و علمی - فنی، اتحاد شوروی به ویتنام در کشاورزی، بخش سوخت و انرژی، حمل و نقل، ماشین سازی، صنایع شیمیایی، علم، فن و بهداشت کمک می کند. به کمک اتحاد شوروی یک کارخانه ذوب آهن ساخته خواهد شد، کارخانه ماشین سازی هانوی مدرنیزه خواهد گردید، یک کارخانه موتورهای دیزل، یک تعمیرگاه بزرگ اتومبیل و ماشین آلات ساختمانی، یک کارخانه ماشین سازی و دهها واحد دیگر ایجاد خواهد شد...

* * *

خلق ویتنام در ده سالی که از آزادی کامل جنوب ویتنام می گذرد، در پیشرفت اجتماعی خود راه زیادی پشت سر گذاشته است. در این مرحله، بسیاری مسائل پیچیده حل شده است. در گذار به سوسیالیسم، گام مهمی برداشته شده است. اعتبار بین المللی دولت کارگران و دهقانان ویتنام افزایش یافته و بر جاذبه سیمتق این خلقی قهرمان افزوده شده است.

در صد زمینهایی دایر کشاورزی، متعلق به آنها بود. قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی ویتنام، مصوب دسامبر ۱۹۸۰، حق شهروندان در "شرکت در اداره امور دولت و جامعه" را تضمین می کند (اصل ۵۶). یک نمونه ایفای نقش فعال زحمتکشان در اداره امور دولتی از این قرار است: از ۴۹۶ نماینده مجلس ملی عالیترین ارگان قدرت دولتی، ۱۰۰ نفر کارگر، ۹۲ نفر دهقان، ۱۱۰ نفر از میان روشنفکران شاغل در بخش علمی - فنی و غیر از آن ۹ نفر پیشه ورند. اتحادیه عمومی سندیکایی (با بیش از ۲ میلیون عضو)، سازمان جوانان کمونیست "هوشی مین" (۴/۴ میلیون عضو) و اتحادیه زنان (۷ میلیون عضو) نقش فزاینده ای در زندگی کشور ایفا می کنند.

کمک انترناسیونالیستی دوستان

سیاست خارجی جمهوری سوسیالیستی ویتنام متوجه تضمین شرایط صلح آمیز برای کار سازندگی، تحکیم صلح و امنیت ملتها و مقابله با سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم و سایر نیروهای ارتجاعی است.

جمهوری سوسیالیستی ویتنام روابط نزدیک دوستی و همکاری با کشورهای جامعه سوسیالیستی را گسترش می دهد.

عدم هماهنگی دولتهای عربی در برخورد با تحولات لبنان

روزنامه شوری ایزوستیامی نویسد: در بررسی رویدادهای لبنان، نوعی عدم هماهنگی برخورد به تحولات جاری این کشور از سوی کشورهای گوناگون عربی دیده میشود. در حالیکه تجاوز اسرائیل علیه لبنان از سوی همه این کشورها بدرستی بعنوان یک مسئله مشترک عربی ارزیابی شده و در جلسات اتحادیه عرب بارها مورد بحث قرار گرفته است. سوریه بطور کامل از مردم و دولت لبنان پشتیبانی می‌کند. نمایندگان الجزایر، یمن، دموکراتیک، لیبی و سوریه طی یک گردهمایی در دمشق باردیگر همبستگی خلل‌ناپذیر خود را با مبارزه مردم لبنان علیه اشغالگران اسرائیلی ابراز داشتند. این کشورها گامهای عملی نیز در حمایت از مردم لبنان بر میدارند. اما در اتحادیه عرب بیش از بیست کشور عضویت دارند. شاید کسانی بگویند که توجه بسیاری از اعضای دیگر این اتحادیه به جنگ ایران و عراق جلب شده است. این درست است که این جنگ مسئله‌ای بسیار جدی است اما این امر از ابعاد خطری که کوششهای آمریکا و اسرائیل برای "حل" بحران لبنان و مسئله فلسطین به دلخواه خودشان متوجه کشورهای عربی می‌سازد، نمی‌کاهد.

پیام راجیو گاندی به رهبران افغانستان

بیرک کارمل دبیر کل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، و سلطان‌علی کشتمند نخست وزیر این کشور پیامهایی از راجیو گاندی نخست وزیر هند دریافت داشتند.

شاه محمد دوست وزیر امور خارجه افغانستان با یکی از مقامات وزارت امور خارجه هند که پیامهای مژبور را تسلیم نمود، دیدار و درباره مسائل بین‌المللی، تحول اوضاع در منطقه و روابط دو جانبه هند و افغانستان گفتگو کرد. از موضوعات مورد بحث، همکاری دو کشور و تشکیل اجلاس کمیسیون مشترک همکاری اقتصادی و فنی میان افغانستان و هند بود. مذاکرات مژبور در جوی دوستانه انجام گرفت. دوطرف خواهان ادامه تلاشهای فرستاده دبیر کل سازمان ملل متحد به منظور حل مسائل پیرامون افغانستان شدند. آنها همچنین نسبت به افزایش تشنجات در جنوب آسیا و اقیانوس هند، افزایش تسلیحات در این منطقه و نظامی شدن فزاینده آن ابراز نگرانی نمودند.

تمجید ریگان از ضد انقلابیون افغانستان، نیکار اگوئه و کامبوج

چندی پیش در واشنگتن ریگان رئیس جمهوری آمریکا طی یک سخنرانی، با اشار افغانی، افراد کارد سابق سوموزا دیکتاتور معدوم نیکار اگوئه و ضدانقلابیون پل پتی کامبوج "پیوند برادری" بست. ریگان گفت اشار مژبور مثل "پدران بنیان گذار ما" هستند! هم زمان با این امر گزارش داده شد که به ابتکار واشنگتن در نزدیکی مرزهای کامبوجیا انبارهای اسلحه آمریکایی ایجاد خواهد شد.

افزایش تعداد داوطلبان ویتنامی در کامبوج را تکذیب کرده افزود: از سال ۱۹۸۲ بدین سو، ویتنام یک سوم نیروهای داوطلب خود را از کامبوج فراخوانده است. مطابق تصمیمات اجلاس سران ویتنام، لاوس و کامبوج در وین تیان، عقب نشینی داوطلبان ویتنامی از کامبوج با توجه به روند تثبیت اوضاع در این کشور انجام خواهد گرفت.

ملاقات دبیر کل حزب کمونیست سودان با ژنرال ذهب

هفته گذشته مقامات نظامی سودان بطور یکجانبه در جنوب کشور اعلام آتش بس کردند. در بیانیه‌ای که در این رابطه از رادیو خارطوم پخش شد، آمده است دولت جدید با این اقدام خود و نیز عفو عمومی که همزمان با آن اعلام گردید، تمایل خود را به حل عادلانه مسائل جنوب سودان، نشان می‌دهد. نخست وزیر سودان تأیید کرد که دولت وی تمساحایی بانبروهای مخالف در جنوب برقرار کرده است.

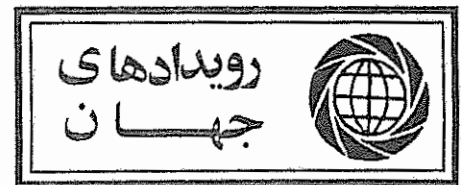
نخست وزیر سودان در رابطه با سیاست خارجی آتی سودان از در پیش گرفتن عدم تعهد جانبداری نمود. وی اعلام کرد کابینه‌اش با توجه به منافع کشور با "شرق و غرب" همکاری خواهد کرد. رئیس دولت سودان گفت اتحاد شوروی در گذشته به سودان کمک کرده است.

همچنین ژنرال ذهب رئیس شورای نظامی موقت سودان در مصاحبه‌ای با تلویزیون شوری خواهان گسترش مناسبات سودان با اتحاد شوروی شد. وی گفت از مهمترین مسایل سودان، تحویل دادن قدرت به مردم در عرض یک سال است. ذهب افزود دولت موقت که تشکیل شده است، انجام انتخابات عمومی را برای پس از سرآمدن این مهلت تدارک خواهد دید. وی همچنین اظهار داشت به جنوب کشور خود مختاری داده خواهد شد.

رژیم جدید سودان ابراز تمایل کرده است روابط خود را با مسایکانش لیبی و اتیوپی بهبود بخشد. هیاتهایی از سودان در این باره مذاکراتی در آدیس آبابا و طرابلس انجام داده‌اند. هیاتهای دیگری نیز به سایر کشورهای عربی فرستاده شدند تا درباره دریافت کمک مالی از این کشورها به گفتگو بپردازند. ناظران معتقدند دولت آمریکادر صورت اینکه سودان در آینده حاضر نباشد به ایفای نقش پایگاه ضد لیبیایی و ضد اتیوپی آمریکا ادامه دهد، کمکهای مالی خود را به این کشور قطع خواهد کرد.

در این میان هفتاد سندیکای جدید التاسیس به اتفاق هفت سندیکای پرسابقه سودان برای اول ماه مه دعوت به میتینگ بزرگی در خارطوم کرده‌اند. سندیکاها به اتفاق احزاب که فعالیت علنی را آغاز کرده‌اند، خواهان لغو کامل همه مقررات وضع فوق العاده بعنوان پیش شرط ادامه مذاکره با حکومت نظامی جدید هستند. روی دیوارهای خارطوم، پوسترهایی که روی آن عکس رهبران سندیکاها و حزب کمونیست سودان دیده میشود، چسبانده شده است.

رفیق محمد ابراهیم نقود دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان، با ژنرال ذهب ملاقات و گفتگو کرد. رفیق نقود در این دیدار از جمله خواهان مشارکت همه نیروهای سیاسی کشور در حل مسئله جنوب سودان گردید.



تمدید اعتبار پیمان ورشو

عالمترین نمایندگان احزاب و دولتهای پیمان ورشو، در تاریخ ششم اردیبهشت در ورشو پایتخت لهستان گرد آمدند و پرتکلی درباره تمدید مدت اعتبار پیمان دوستی، همکاری و کمک متقابل را که در چهاردهم ماه مه ۱۹۵۵ برای مدت سی سال منعقد شده بود، امضا کردند. شرکت کنندگان در گردهمایی ورشو، در عین حال دولتهای ناتو را فراخواندند که به سیاست مذاکره و تنش زدایی بازگردند.

در مراسم رسمی مربوط به تمدید اعتبار پیمان ورشو در کاخ نخست وزیری لهستان، رهبران احزاب کمونیست و مقامات عالیترتبه دولتی بلغارستان، چکسلواکی، جمهوری دموکراتیک آلمان، لهستان، رومانی و اتحاد شوروی شرکت جستند.

پیمان ورشو پاسخی به تاسیس پیمان تجاوز کار ناتو بود که شش سال قبل از آن، در سال ۱۹۴۹ منعقد گردیده بود. در متن قرارداد مربوطه آمده است هرگاه پیمان ناتو منحل گردد، پیمان ورشو نیز خودبخود از موضوعیت خواهد افتاد. در گردهمایی اخیر، پیمان ورشو به مدت بیست سال دیگر تمدید و تصمیم گرفته شد پس از سپری شدن این مدت، قرارداد مژبور به مدت ده سال دیگر تجدید شود.

تحریم اقتصادی نیکار اگوئه از سوی آمریکا

سختگوی کاخ سفید اندکی پس از ورود ریگان رئیس جمهوری آمریکا به بن پایتخت آلمان فدرال اعلام کرد دولت آمریکا تصمیم به تحریم اقتصادی نیکار اگوئه گرفته است. این تحریم شامل مبادلات تجاری و پرواز هواپیماهای نیکار اگوئه به مقصد فرودگاههای آمریکا می‌شود. چندی پیش مجلس نمایندگان آمریکا طرح ریگان برای دادن کمک ۱۵ میلیون دلاری به ضد انقلابیون نیکار اگوئه را رد کرده بود.

در ماناگوا دولت انقلابی و مردم نیکار اگوئه به محض دریافت خبر تحریم اقتصادی این کشور توسط آمریکا، این عمل را شدیداً محکوم کرده و طی گردهمایی‌هایی اعلام نمودند برای مبارزه با تحریم اقتصادی آمریکا، همه نیروی خود را به کار خواهند گرفت تا لغات وارده به اقتصاد نیکار اگوئه به حداقل برسد.

مصاحبه وزیر خارجه ویتنام

تکونین کوتاچ، وزیر امور خارجه ویتنام، در مصاحبه با روزنامه آمریکایی باستن گلوب گفت: "مرگه نیروهای پل پت سرکوب شوند، بلافاصله عقب نشینی کامل داوطلبان ویتنامی از کامبوج آغاز خواهد شد. وی گزارش مطبوعات غرب درباره

بازدو سال میروم، از رهبران جبهه ساندینیست در مصاحبه با خبرنگار اکثريت:

ما پیروز خواهیم شد!

در هفته گذشته دولت ریکان، نیکاراگوئه انقلابی را تحریم اقتصادی کرد. این اقدام کام بلند دیگری در جهت تشدید تشنج اوضاع در منطقه آمریکای مرکزی به حساب میآید. دولت و مردم قهرمان نیکاراگوئه در پاسخ به این مفسده جوئی گستاخانه اعلام داشتند که به رغم همه فشارها و مداخلات امپریالیستی، راهی را که خود برگزیده اند، با قطعیت ادامه خواهند داد. برای آشنائی بیشتر با انقلاب نیکاراگوئه، در این شماره مصاحبه ای را درج می کنیم که چندی پیش در کابل خبرنگار ما با "بازدو سال میروم" سرپرست هیئت ساندینستی شرکت کننده در جشن های بیستمین سالگرد بنیانگذاری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به عمل آورده بود.

* س: دو انقلاب بطور همزمان در ایران و نیکاراگوئه بوقوع پیوست که شما از سرنوشت انقلاب ما با خبرید من می خواستم شما ای از چگونگی انقلاب نیکاراگوئه و روند آن بازگو نمایید.

ج: ضمن تشکر باید در مورد انقلاب ۱۹۷۹ نیکاراگوئه بگویم که این انقلاب بیکباره پدید نیامد. این انقلاب در حقیقت پیامد آن قیامهای متنوعی است که در تاریخ کشور من بوقوع پیوسته و زمینه ساز انقلاب بزرگ ۱۹۷۹ شد. در هر قیام مردم، این توده های کار و زحمت نقش خود را ایفا کردند و ما بمتابجه جبهه ساندینست آزادی ملی از این قیامها آموختیم و کسب تجربه کردیم و آنرا بکار بستیم. موضوع دیگری که در نیکاراگوئه حائز اهمیت است راه و اندیشه "ساندینو" است. واقعیت این

است که "ساندینو" در برابر امپریالیسم شکست خورد، مردم علیرغم جانبازی های بسیار و جنگ طولانی با امپریالیسم بقدرت نرسیدند اما آنها بسیار چیزها آموختند و ما از آن آموخته ها بهره گرفتیم. آنها رفتند، اما تجربه شان در انقلاب بزرگ مانعش و بیزه خود را بازی کرد. جبهه بزرگ مردمی ما بازتاب چنین تجربه ایست. انقلابها، بزرگ ایران و نیکاراگوئه که در دوقاره بوقوع پیوست، نشان داد که در برابر اراده خلق ها، نیروی را برای همیشه توان پایدار نیست. وقتی خلق ایران تصمیم گرفت شاه را سرتن کنده بالاخره او را سرتن کرد. این تجربه ایست که مردم اندوخته اند. مسلماً آن را در آینده برای بدست آوردن پیروزیهای بزرگتر نیز بکار خواهند بست.

اما در رابطه با قسمت دوم سوال شما، روند انقلاب و برنامه ما: برای ما آینده انقلاب بخوبی روشن است. آنچه که امروز برای ما مهم و حیاتی است تحکیم هر چه بیشتر قدرت مردمی توسط خود مردم می باشد. ما معتقدیم که انقلاب ساندینستی نیکاراگوئه راه برگشت ناپذیری را در جهت سوسیالیسم علی می کند. مردم ما با پیوست و گوشت خود انقلاب را درگ کرده اند و از آن حمایت و پشتیبانی میکنند. آمریکا سعی می نماید با تحریکات و تبلیغات خود افکار مردم را متشتت کند و از آن بهره بگیرد. اما خوشبختانه همانطور که گفتیم امروز انقلاب در بین مردم از حمایت آگاهانه و وسیعی برخوردار است و از همین روست که ما معتقدیم انقلاب نیکاراگوئه برگشت ناپذیر است و پشتوانه مردمی، آنرا از هرگزندی محفوظ نگه می دارد. افزون بر تمامی اینها ویژگی دیگر انقلاب نیکاراگوئه برخورداری بودن از پشتیبانی و همبستگی خلقهای سراسر جهان است. این

عصر دیگری است که ما اجازه می دهد بار دیگر بر برگشت ناپذیری انقلاب خود تاکید کنیم. چنین واقعیاتی این قدرت را به ما میدهد تا بگوئیم، اکثر امپریالیسم شمشیر دشمنی را که بدست گرفته مستقیماً هم علیه ما بکار اندازد، ما با تمام نیروی توده ای خود در برابرش ایستادگی خواهیم کرد. چندی قبل به تمام جهانیان اعلام کردیم و با صراحت گفتیم در صورتی که ایالات متحده آمریکا بخواهد در کشور ما مداخله کند، برایش پیروزی وجود نخواهد داشت، بلکه دوزخی بوجود خواهد آمد! هر خلقی برای پیروزی و حفظ آزادی خود و انقلاب باید قربانی بدهد. ما برای همه ثابت کرده ایم که از قربانی شدن در راه انقلاب هراسی نداریم. بهمین خاطر است که بدینگونه از پیروزی خود مطمئنیم! ما پیروز خواهیم شد.

* س: لطفاً در مورد روند انقلاب نیکاراگوئه و برنامه های آن توضیح دهید.

ج: ما روند بازسازی کشور را در اس برنامه های خود قرار داده ایم. این روند هنوز پایان نیافته و ما معتقدیم تا زمانی که صلح تأمین نشود این پروسه هم به تعویق خواهد افتاد. ما بیشترین توجه خود را به کارگران و دهقانان معطوف نموده ایم به شکل توده ها در سازمانهای توده ای و سیاسی تکیه کرده ایم. همچنین ما در حال حاضر نسبت به هر وقت دیگر به بخش اجتماعی توجه بیشتری را مبذول می داریم. برنامه های اقتصادی ما نیز مبتنی بر واقعیت و بنیه اقتصادی ماست. آن چه امروز تحقق می یابد مناقض ملی است. در این رابطه ما توجه بسیار، را به توسعه تولیدات زراعتی و پیوند آن با صنایع زراعتی معطوف می نمائیم. ما محصولات خود را متنوع تر می سازیم تا بازارهای بیشتری پیدا کنیم. البته تمامی این مسایل در گرو تحکیم هر چه بیشتر انقلاب و روند انقلابی است. از این جهت در قدم اول باید تمام باندهای ضد انقلابی و عوامل مخرب از بین برده شوند.

* س: لطفاً نظر خود را در مورد جنگ ایران و عراق بیان نمایید.

ج: این جنگ را کشورهای مترقی و صلح دوست جهان محکوم میکنند. این یک جنگ نامعقول است که تنها امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم آمریکا از آن سود می برد. این جنگ برادر کشی است بین خلقهای ایران و عراق. ما به این خاطر هیچگاه از این جنگ راضی نبودیم و آنرا همانطور که گفتیم جنگی در جهت منافع امپریالیسم و دستاویزی جهت حضور و دخالت امپریالیسم آمریکا در منطقه اریایی می کنیم.

روزهای دشوار حکومت خمینی

بقیه از صفحه اول

گذشته زندانی سیاسی بودند، دستگیریهایی گسترده ای انجام دادند.

به رغم همه درنده خویی های رژیم، مردم مبارزه را بازم گسترش می دهند. مبارزات دلاورانه مردم محله ۱۲ آبان در همه شهرها و روستاهای کشور بازتاب یافته است و در همه جاموجی از همبستگی و همراهی بر پا کرده است. حکومت که پس از ۲۱ فروردین ناچار شده بود به گستردگی آن تظاهرات اعتراف کند در یک واکنش مذبوحانه این بار از زبان حسین موسوی نخست وزیر در مصاحبه با روزنامه کیهان (۴ اردیبهشت) تلاش کرد به انکار آن بر خیزد. نخست وزیر رژیم خمینی در هراس از گسترش بیشتر مبارزات مردم ضمن انتقاد تلویحی از وزیر کشور و دیگر دولتمردان رژیم که جوانی از واقعیات را بازگو کرده بودند مدعی شد که تعداد دستگیر شدگان فقط چند نفر می باشد.

نخست وزیر خمینی در این مصاحبه مردم مبارز را با کاربرد کلماتی نظیر "لاتها و چاقو کشتا" مورد هتاک قرار داد. علاوه بر این او در مصاحبه دیگری در هفته گذشته خبر داد که "جنگ اوج بیشتری خواهد گرفت." او با این سخنان نشان داد که ارتجاع حاکم اگر چه از همیشه در مانده تر شده است، اما هنوز هم میکوشد حرکات ضد مردمی تازه تری را تدارک ببیند. در همین راستا رفسنجانی رئیس مجلس در ششم همین ماه اظهار داشت که از نظر او "جنگ شهرها هنوز تمام نشده." به عنوان پاسخ نهائی به خواستهای صلح طلبانه مردم، خمینی در ۲۹ فروردین (چند روز پس از تظاهرات محله ۱۲ آبان) اعلام کرد که "ما زیر بار نمی رویم."

تصمیم خمینی و گماشتگانش هر چه که میخواهد باشد. پاسخ مردم روشن است. هر روز اخبار تازه تری از حرکات رزمجویانه خلق ما علیه جنگ و علیه رژیم می رسد. این پاسخ شایسته مردم است. رژیم ضد مردمی و تبهار خمینی روزهای دشوار را پیش رودارد.

AKSARIYAT
NO.55
MONDAY MAY.6.85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!